

آغاز عصر ژابی با یک انتقام بزرگ؛

رئال به حساب گذشته رسید



محاکمه‌ای با طعم دوغ گازدار؛

دیزی سنگی بر سر فوتبال!



رئال مادرید

۲-۱



بارسلونا

کبریا
بارش
چرخ



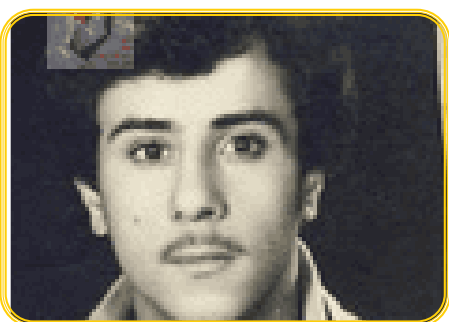
فرارسیدن سالروز میلاد با سعادت
بانوی بزرگ صبر و استقامت،
حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)،
و روز پرستار، بر همه عاشقان
راه خدمت و فداکاری خجسته باد.

نماینده تجاری چین با اشاره به مذاکرات تجاری و اقتصادی در مالزی گفت که با آمریکا به یک اجماع اولیه رسیده‌اند. «لی چنگ‌گانگ» معاون وزیر بازرگانی و نماینده تجارت بین‌الملل چین عصر یکشنبه در سخنانی بیان کرد: «در جریان مذاکرات تجاری و اقتصادی در مالزی، با ایالات متحده به یک

دوشنبه ۵ آبان ۱۴۰۴ شمارگان ۱۹۲۲

یاد و خاطره شهدا، به ویژه «علی سلطانی II» که ۲۲ آذر ۶۰ به

مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



سرمقاله

احزاب برای انتخابات شورا دورخیز کردند؛

بازی تازه در زمین شهر

مهدی صالحی

ثبت نام داوطلبان شوراهای شهر و روستا در بهمن‌ماه، تنها آغاز یک فرآیند اجرایی ساده نیست؛ این نقطه شروع مرحله‌ای تازه برای بازیگران عرصه قدرت در ایران است. فضای سیاسی کشور قدم به قدم به سمت انتخاباتی پیش می‌رود که قرار است نخستین‌بار در قالب نظام تناسبی برگزار شود. این تغییر ساختار، خود وعده‌ای دادن از یک رقابت متفاوت است؛ رقابتی که در آن صحنه سیاسی تک‌صدایی نمی‌ماند و هر جریان، متناسب با رأی خویش سهمی از قدرت شهری را دریافت می‌کند. چشم‌ها بیش از هر زمان دیگری به تهران دوخته شده است؛ شهری که مدیریت آن نه تنها جنبه خدماتی دارد، بلکه خوانشی از قدرت سیاسی در سطح ملی نیز محسوب می‌شود. ۲۱ صندلی سبز خیابان بهشت، این روزها نماد رقابت سخت‌گیرانه میان اردوگاه‌های سیاسی شده است. اصولگرایان با صف‌بندی‌های منسجم‌تر از گذشته، ساز رقابت را آغاز کرده‌اند. اصلاح‌طلبان نیز با نشانه‌هایی از بازگشت به میدان سیاست انتخاباتی، در تلاش برای بازیابی هویت انتخاباتی و اجتماعی خویش هستند.

استعفاي چهره‌های اداری مشمول قانون، نشست‌های درون‌تشکیلاتی احزاب، رونمایی از شعارها، فعال شدن ستادهای سیاسی در سراسر کشور و زعم‌نامه‌های ائتلاف‌ها، همه نشان‌دهنده آن است که شوراهای این دوره، سکوی آزمون مهمی برای احزاب خواهد بود. آژمونی که نتیجه‌اش می‌تواند تعیین‌کننده وزن‌کشی واقعی آنان در عرصه افکار عمومی باشد و همچنین معیاری برای سنجش میزان مشارکت مردم در صحنه‌ای که مستقیماًتر از انتخابات ملی به زندگی روزمره آن‌ها گره خورده است.

ماهیت انتخابات شوراه، به طور مستقیم با کف مطالبات شهروندان از مدیریت شهری پیوند دارد. این ویژگی باعث می‌شود هر انتخاباتی در این سطح، هم تستی جدی برای سیاست حزبی باشد و هم آیینیه‌ای برای ارزیابی «سرمایه اجتماعی» جریان‌های سیاسی در برابر رأی‌دهنده‌ای که دغدغه‌اش نه گفتن‌های کلان، بلکه کیفیت زندگی در شهر است.

اصولگرایان، از مولف‌ه و پایداری تا تشکل‌های جوان‌تر مانند جمعیت پیشرفت و عدالت، با برنامه‌ریزی‌های زود هنگام به وضوح نشان داده‌اند که اعتماد بیشتری به توان حضور خود در میدان دارند. آن‌ها مدیریت شهری را عرصه‌ای برای نمایش کارآمدی می‌دانند و معتقدند می‌توانند با تکیه بر نظم تشکیلاتی و به‌رودگیری از نیروهای تکنوکرات طیف راست، بار دیگر خیابان بهشت را در اختیار بگیرند. در سوی دیگر، اصلاح‌طلبان که در سال‌های اخیر بارها با سیاست «تحلیق مشارکت انتخاباتی» دست به گریبان بوده‌اند، این بار پیام متفاوتی مخابره می‌کنند. پیام آنان روشن است: «بازگشت به مسیر صندوق رأی» و اصلاح‌گری از کالال شوراه. اگرچه هنوز ساز ائتلاف‌شان قطعی نشده است، اما پیام نشست‌های درونی مانند نشست کارگزاران، تلاش برای احیای نقش گذشته در عملکرد مدیریت شهری است. تجربه موفق شورای شهر اول و بخشی از شورای پنجم در حافظه رأی‌دهندگان هنوز زنده است و اصلاح‌طلبان امیدوارند بر همان سرمایه سوار شوند. با این حال، پرسش اصلی دقیقاً در همین نقطه شکل می‌گیرد: آیا نظام تناسبی جدید، میدان رقابتی منصفانه برای همه بازیگران سیاسی فراهم می‌کند یا تنها آرایش صحنه را تغییر داده و عرصه را برای رقابت‌های پشت‌پرده‌ای تازه مهیا می‌سازد؟

یک واقعیت انکارناپذیر است، اینکه انتخابات شوراه صحنه‌ای است که نتیجه آن بی‌درنگ در زندگی مردم آشکار می‌شود. شهروندان صبر نمی‌کنند ببینند نتیجه بوروکراسی‌های کلان چه خواهد شد. اگر خیابان‌ها پاکیزه نیست، اگر حمل‌ونقل فرسوده است، اگر توسعه فرهنگی شهر در بن‌بست مانده است، نام نمایندگان شورا بلافاصله در آینه افکار عمومی بازتاب می‌یابد. قدرت در خیابان بهشت هیچ وقت ساده از آن کسی نشده است که شاعران و نه عکس‌های تبلیغاتی، نتیجه نهایی در روزی مشخص عیان می‌شود: روزی که رأی‌دهندگان با چشمانی دقیق خواهند پرسید چه کسی توان اداره شهری را دارد که هر روز می‌تپد و هر شب رویایی تازه می‌زاید. اگر احزاب این بار برای قدرت می‌روند، مردم برای آینده شهروپایشان انتخاب می‌کنند. هر جریانی که از این واقعیت غفلت کند، نه تنها در بهشت جایی نخواهد داشت، در حافظه سیاسی شهر نیز فراموش می‌شود.

چین: با آمریکا به توافق رسیدیم

اجماع اولیه رسیده‌ایم. البته طرف آمریکایی موضع قاطعی اتخاذ کرده است و چین قاطعانه از منافع خود دفاع می‌کند». طبق گزارش تلویزیون مرکزی چین، چنگ‌گانگ تأکید کرد: «در این دیدار، چین و ایالات متحده گفت‌وگوی عمیق و صریحی در مورد مسائل تجاری و اقتصادی انجام دادند».

وزارت بازرگانی چین نیز اعلام کرد که پکن و واشنگتن توافق کردند که همکاری نزدیک خود را در مورد مسائل تجاری و اقتصادی مورد علاقه متقابل حفظ کنند. این وزارتخانه در بیانیه‌ای اعلام کرد: «طرفین تحت هدایت استراتژیک رهبران ۲ کشور، توافق کردند که از نقش مکانیسم

دنیایکسوادار

تأملی بر یک تصمیم مهم: سازمان ملی هوش مصنوعی در مجلس تصویب شد؛

آزمون بزرگ حکمرانی دیجیتال

مهرداد تیموری

می‌کند. هرگونه خطا در تنظیم‌گری این حوزه ممکن است به وابستگی فناورانه، کاهش کیفیت خدمات عمومی و حتی تهدید حقوق و آزادی‌های شهروندان منجر شود. پس جامعه حق دارد بداند سازمان جدید چه اهداف روشنی دارد و بر مبنای چه سازوکارهایی عمل خواهد کرد. یکی از چالش‌های اصلی کشور در حوزه فناوری، چندپارگی نهادی است. از معاونت علمی و فناوری تا وزارت ارتباطات و بخش‌های گوناگون نظامی و امنیتی، هرکدام طی سال‌های گذشته مدعی پیشبرد هوش مصنوعی بوده‌اند. این تکتگر راهبردی موجب شد بودجه‌ها پراکنده شود، پژوهش‌ها جزیره‌ای بماند، و هیچ نقشه راه شفاف‌ی برای توسعه الگوریتم‌ها، پردازش زبان، شبکه‌های عصبی بومی، رباتیک صنعتی یا پلتفرم‌های داده‌محور تدوین نشود. اکنون پرسش این است که سازمان تازه چگونه می‌تواند این آشفتگی را مهار کند. آیا اختیار لازم برای نظمدهی به سیاست‌ها را دارد. آیا توان ایجاد انسجام میان نهادهای قدرتمندی را دارد که هرکدام ذی‌نفعان تخصصی و سیاسی خود را دارند. مسئلهٔ مهم دیگر، کمبود زیرساخت داده‌ای کشور است. هوش مصنوعی پیشرفته بدون داده‌های عظیم و پاک و استاندارد شکل نمی‌گیرد. بخش بزرگی از داده‌های سلامت، انرژی، ترافیک، خدمات عمومی و حتی بازار مالی در ایران یا به صورت غیرقابل اشتراک ذخیره شده یا کیفیت لازم برای استفاده الگوریتمی را ندارد. نبود سامانه‌های یکپارچه و فقدان مهندسی داده حرفه‌ای، پروژه‌های مربوط به بینایی رایانه‌ای، مدل‌های پیش‌بینی و روبات‌های خدماتی را در همان مرحله آزمایشگاهی نگه داشته است. اگر سازمان ملی هوش مصنوعی نتواند به ایجاد شبکه‌ای ملی برای تبادل امن داده‌ها سرعت دهد، تبدیل به نهادی با خروجی‌های نامایشی خواهد شد.

مسئلهٔ سرمایه انسانی نیز کاملاً تعیین‌کننده است. کشور هزاران دانش‌آموخته در هوش مصنوعی، ریاضیات، کامپیوتر و علوم داده دارد، اما بخش قابل توجهی از این نیروها یا در مرحله تحصیل مهاجرت می‌کنند یا پس از اتمام تحصیلات جذب کسب‌وکارهای کوچک می‌شوند بدون آنکه فرصت مشارکت در پروژه‌های بزرگ ملی داشته باشند. در حال حاضر دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان میان خود رقابتی ناهمگون دارند و حلقه اتصال میان پژوهش و بازار به اندازه کافی تقویت نشده است. سازمان جدید باید پتانسیلی برای ایجاد میدان واقعی جهت بهره‌گیری از توان پژوهشگران را فراهم کند و حضور آنان را در روند تصمیم‌سازی تضمین کند.

تحول دیجیتال در ایران تا به امروز بیشتر حاصل تلاش‌های پراکنده شرکت‌های نوآور و فعالان خصوصی بوده تا نتیجه راهبرد مسلط دولت. بخش مهمی از اکوسیستم استارت‌آپی نیز تحت فشارهای ناشی از مقررات نامشخص، ریسک‌های امنیتی و بی‌ثباتی اقتصادی قرار گرفته است. گردش مالی صنعت دیجیتال در کشور با ظرفیت‌های واقعی آن فاصله چشمگیر دارد. در چنین وضعیتی، نخستین وظیفه سازمان ملی هوش مصنوعی باید ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری و اعتماد متقابل میان دولت

و بخش خصوصی باشد. توسعه فناوری‌های بومی جز با مشارکت فعال کسب‌وکارها ممکن نیست. از سوی دیگر، حکمرانی هوش مصنوعی فقط حمایت از صنایع پیشرفته نیست. بحث‌های جهانی درباره اخلاق الگوریتم‌ها، حقوق داده، زیست‌خصوصی، شفافیت و پاسخگویی سامانه‌های خودکار، نشان می‌دهد که این حوزه به نظارت مستقل و غلانیّت حقوقی نیاز دارد. اقتصاد هوش مصنوعی ممکن است قدرت را در میان چند شرکت محدود متمرکز کند و هویت دیجیتال شهروندان را در معرض سوءاستفاده قرار دهد. اگر سازمان ملی هوش مصنوعی در جایگاه تنظیم‌گر عمل می‌کند باید تضمین دهد که منافع عمومی فراتر از اولویت‌های سازمانی و سیاسی قرار می‌گیرد. در غیر این صورت، عدالت تکنولوژیک قربانی توسعه شتابزده می‌شود.

پیوند هوش مصنوعی با امنیت ملی نیز اجتناب‌ناپذیر است. از سامانه‌های دفاع سایبری تا شناسایی تهدیدات، بخش‌های امنیتی مدتی است که در این حوزه فعال شده‌اند. ورود یک نهاد جدید به این عرصه باید با تعریف حد و مرز دقیق، چگونگی دسترسی به داده‌ها و سازوکار نظارت عمومی همراه باشد. اتکای افراطی به محرمانگی، توسعه فناوری را کند می‌کند و مشارکت بخش خصوصی را کاهش می‌دهد. کشورهایی که موفق به رشد سریع در این حوزه شدند، فضای اعتماد و آزمایش را در کنار حفاظت از منافع ملی ایجاد کردند.

اگر اهداف سازمان ملی هوش مصنوعی شفاف بیان نشود و شاخص‌های سنجش عملکرد ارائه نگردد، ارزیابی توفیق یا ناکامی آن ممکن نخواهد بود. جامعه باید بداند این سازمان در چه بازه زمانی می‌خواهد چه دستاوردهایی ارائه دهد. توسعه یک مدل زبانی بومی در تراز جهانی، افزایش بهره‌وری صنعتی با اتوماسیون پیشرفته، دیجیتالی‌سازی زنجیره تأمین، هوشمندسازی حمل‌ونقل، سلامت و کشاورزی و نیز افزایش سهم اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص داخلی، نمونه‌هایی از اهداف قابل سنجش هستند. تحول بدون سنجش، شعاری بیش نخواهد بود.

سازمان ملی هوش مصنوعی می‌تواند به نمادی از بلوغ حکمرانی فناورانه در ایران بدل شود، به شرط آنکه از نخستین روز به اجماع کارشناسان تکیه کند و از سیاست‌زدگی فاصله بگیرد. آینده هوش مصنوعی در این کشور در آزمایشگاه‌ها، شرکت‌های نوآور، و



مشاوره اقتصادی و تجاری چین و ایالات متحده به‌طور کامل استفاده، همکاری نزدیک خود را در مورد مسائل تجاری و اقتصادی مورد توجه هر ۲ طرف حفظ کنند، توسعه سالم، پایدار و باثبات روابط اقتصادی و تجاری چین و ایالات متحده را ارتقا دهند تا به نفع مردم ۲ کشور و ارتقای رفاه جهانی باشد».

رویداد

حرف‌اول



میدان‌های واقعی حل مسائل ملی رقم می‌خورد. هر چقدر این سازمان بتواند ارتباطی زنده میان دانشگاه، صنعت، کسب‌وکارها و مردم ایجاد کند، احتمال تحقق تحول دیجیتال پایدار بیشتر خواهد شد. تحول دیجیتال، هدفی پر سر و صدا نیست، رویدادی زیرپوستی است. اگر بیمارستان‌های کشور بتوانند با استفاده از داده‌های هوشمند تشخیص سریع‌تر و خطای کمتر ارائه دهند، اگر کشاورزان بتوانند به لطف الگوریتم‌های پایش زمین و هوا از هدررفت آب جلوگیری کنند، اگر مدیریت شهری با اتکای به پیش‌بینی‌های دقیق ترافیک، اتلاف وقت و سوخت را کاهش دهد، آن‌گاه می‌توان ادعا کرد هوش مصنوعی واقعا به زندگی مردم راه یافته است. در غیر این صورت، هر پروژه‌ای که بر سر زبان‌ها بیفتد جز یک عنوان پرطمطراق دولتی نخواهد بود. دستاورد واقعی هوش مصنوعی باید در رفاه اجتماعی و بهره‌وری اقتصادی سنجیده شود. این فناوری می‌تواند نابرابری را کاهش دهد یا تشدید کند، می‌تواند فرصت‌های شغلی تازه بیافریند یا حذف گسترده مشاغل موجود را رقم بزند. مدیریت این تناقض‌ها نیازمند دیدگاهی است که توسعه را حقی بدیهی و همگانی بداند. هرجا مردم احساس کنند فناوری بخشی از زندگی عادلانه‌تر آنان است، از آن استقبال می‌کنند. در برابر کشورهایی که با سرعت خیره‌کننده در حال حرکت‌اند، فرصت اشتباه برای ایران محدود است. اگر امروز تصمیم‌های صحیح گرفته نشود، فردا شکاف فناورانه به شکافی سیاسی و اقتصادی تبدیل می‌شود. سازمان ملی هوش مصنوعی باید پیش از هر چیزی نشان دهد که آمده تا از تکرار گذشته جلوگیری کند. تعیین شاخص‌های دقیق عملکرد، شفافیت در گزارش‌دهی و پاسخگویی در برابر افکار عمومی، مهم‌ترین آزمون آن خواهد بود.

فراموش نکنیم که آینده، صبور نیست. فناوری، منتظر نمی‌ماند. یا باید الگوی حکمرانی دیجیتال کشور را بازآفرینی کرد، یا آماده شد تا نقش مصرف‌کننده حاشیه‌ای فناوری دیگران را پذیرفت. اگر قرار است سازمان جدید نقطه عطف باشد، باید نخستین گام آن گفتن یک پاسخ ساده اما بزرگ به جامعه باشد: تصمیم‌گیری درباره آینده هوش مصنوعی این‌سرزمین بر مبنای دانش و منافع مردم انجام خواهد شد. هر پاسخ دیگری، چکی خواهد بود که دیر یا زود در تاریخ برگشت می‌خورد.

«اسکای» بررسی کرد؛ پشت پردهٔ حملات مرگبار ترامپ به قایق‌های ونزوئلا چیست؟

مواد مخدر در آمریکا است، اما این ماده مخدر مصنوعی برخلاف ادعاهای ترامپ در ونزوئلا تولید نمی‌شود. بنابراین فقط می‌توان نتیجه گرفت که ترامپ یا اشتباه می‌کند و اطلاعات نادرست دارد و یا انگیزه دیگری دارد. نویسنده معتقد است که احتمالاً گزینه دوم در مورد ترامپ صحیح باشد و تغییر رژیم در ونزوئلا در صدر فهرست اهداف او قرار دارد. گفتنی است، لیندسی گراهام سناتور جمهوری‌خواه و از افراد نزدیک به ترامپ، هفته گذشته در مصاحبه با شبکه خبری فاکس مدعی احتمال تغییر حکومت ونزوئلا شد و مشروعیت دولت نیکلاس مادورو رئیس جمهوری این کشور آمریکای لاتین را زیر سوال برد.

این سناتور جمهوری‌خواه با حمایت از تصمیم ترامپ برای هدف قرار دادن قایق‌ها در نزدیکی ونزوئلا، ادعا کرد: دولت کاراکاس یک دولت نارکوتورایسم است که توسط مادورو اداره می‌شود.

وی در ادامه مدعی شد: ترامپ قرار است رئیس جمهوری ونزوئلا را سرنگون کند و همه در مورد بد بودن مادورو صحبت می‌کنند. او سقوط می‌کند. او یک تروریست مواد مخدر، قاچاقچی مواد مخدر و رئیس‌جمهوری نامشروع است و ترامپ شرایطی را فراهم می‌کند که او را سرنگون کند.

«کارتل سینالوا» در مکزیک منتشر شده است. ضمن آنکه کارتل‌های مکزیک به تجارت در این حوزه بسیار افتخار می‌کنند و این داد و ستد، پول بسیاری هم برای آن‌ها به همراه دارد و از همین رو حاضر نیستند بازار آن را با هیچ‌کس دیگر شریک شوند. این رسانه انگلیسی در ادامه با تایید ادعاهای ترامپ که می‌گوید ونزوئلا اکنون تامین‌کننده بزرگ سایر مواد مخدر غیرقانونی، به ویژه کوکائین است، تشریح می‌کند که مواد تشکیل دهنده اصلی این ماده مخدر نیز از دیگر کشورهای آمریکای لاتین مانند کلمبیا، پرو و بولیوی می‌آید که بزرگترین تولیدکنندگان برگ کوکا در جهان هستند. بنابراین مواد مخدری که از طریق زمینی و از راه کلمبیا وارد ونزوئلا می شود، سپس از بنادر شمالی آن خارج و به سمت ایالات متحده هم قاچاق نمی‌شود؛ بلکه به رغم ادعاهای ترامپ، این قایق‌ها در واقع به سمت جزایر نزدیک ترینیداد و توباگو می‌روند و از آنجا به صورت عمده به غرب آفریقا و اروپا به ویژه اسپانیا و پرتغال می‌روند. اسکای نیوز میدا اصلی مواد مخدر قاچاق شده به سوی آمریکا را مکزیک می‌داند و تأکید دارد که ونزوئلا هیچ نقشی در این خصوص ایفا نمی‌کند. «مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری» (CDC) در ایالات متحده نیز اعلام کرده است که اگرچه فنتانیل دلیل اصلی مرگ‌ومیر ناشی از مصرف بیش از حد



بزرگترین ناو هواپیمابر جهان را با اسکورت یک ناو گروه به سمت کارائیب حرکت داده است تا نیروهای آمریکایی حاضر در این منطقه را تقویت سازد. اما سوال این است که آیا واقعا دلیل همه این اقدامات، نزاع ترامپ با مواد مخدر در آمریکای جنوبی است؟ اسکای نیوز با طرح این سوال در ادامه چندین دلیل برای تردید در مورد اهداف اعلام شده دولت ترامپ در منطقه کارائیب آورده است: نخست آنکه کارتل‌های مواد مخدر مکزیک‌آمیز، فنتانیل را با موادی که به شکل عمده از چین وارد می کنند، ترکیب و سپس از آنجا به آمریکا قاچاق می کنند. درواقع، ونزوئلا به هیچ وجه در تجارت فنتانیل دخیل نیست، زیرا پیش از این نیز گزارش‌های بسیاری در مورد آزمایشگاه‌های تولید فنتانیل توسط



دوشنبه ۵ آبان ۱۴۰۴ شمارگان ۱۹۲۲

دنیایک هوادار

دادگاه کاغذی هوادار

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج از آغاز اجرای عملیات په‌زراعی نیم سال دوم فضای سبز مناطق ۱۰گانه کرج خبر داد.

امیر رضیان با بیان اینکه فصل پاییز و زمستان از نظر باغبانی و حفظ و نگهداری فضای سبز فصلی حائز اهمیت است،

عملیات په‌زراعی فضای سبز کرج آغاز شد

تقویم باغبانی را دستخوش تغییر می‌کند، افزود: با شروع فصل پاییز عملیات په‌زراعی شامل اقداماتی نظیر پاپیل و کندوکوب، کوددهی، کنترل آفات و بیماری‌های گیاهی، آزادسازی طوقه و پاک‌سازی محیطی درختان از نخاله و مصالح در عرصه‌های فضای سبز مناطق ۱۰گانه کرج آغاز شده و طبق برنامه ریزی و

در شهر

مکت

چرا بازار مداخلات پزشکی غیرمجاز همچنان نفس می‌کشد؟

نبرد خاموش بدن‌ها

نگارسلحشور

بازار زیبایی در ایران هر روز پرزرق‌وبرق‌تر می‌شود تا جایی که دیگر نمی‌توان مزی روشن میان سالن آرایشی و کلینیک درمانی تشخیص داد. تبلیغات گسترده در شبکه‌های اجتماعی، لوکیشن‌های شیک و قیمت‌های وسوسه‌انگیز، بسیاری از مراجعه‌کنندگان را به‌سمت خدماتی سوق می‌دهد که در ظاهر بی‌دردر و فوری‌اند، اما در باطن می‌توانند سلامت افراد را تا مرز نابینایی، عفونت‌های پیش‌رونده، نکروز بافت و حتی مرگ پیش ببرند. دست‌های ناشی، ابزارهای غیراستاندارد و محیط‌هایی که کوچک‌ترین معیارهای بهداشتی در آن رعایت نمی‌شود، امروز تبدیل به واقعیتی شده‌اند که پشت تصاویر فریبنده‌ای از تغییر چهره پنهان شده است.

گزارش‌های رسمی نهادهای صنفی و نظارتی نشان می‌دهد که مداخلات پزشکی در مراکز فاقد مجوز به مرحله هشدار رسیده است. از تزریق ژل و بوتاکس و پلاسماجت گرفته تا لیزرهای قدرتمندی که تنها باید در اختیار تیم‌های درمانی باشد، همگی در برخی سالن‌ها با دسترسی ساده و بدون ارزیابی پیامدهای احتمالی انجام می‌شود. بحران زمانی جدی‌تر می‌شود که بدانیم بسیاری از قربانیان پس از بروز آسیب، به‌دلیل هزینه‌های درمانی سنگین یا ترس از قضاوت اجتماعی، هرگز تجربه خود را رسانه‌ای نمی‌کنند.

در شرایطی که تقاضای عمومی برای زیبایی بیشتر شده است، جامعه ما با پرسشی خطرناک روبروست: امنیت زیبایی تا چه حد تضمین‌شده است و نقش دستگاه‌های مسئول در حفاظت از حق اولیه افراد برای سلامت چیست؟

وقتی قیمت جای مهارت را می‌گیرد

رشد سریع شبکه‌های اجتماعی، الگوهای جدیدی از زیبایی را در ذهن شهروندان تثبیت کرده است: تصاویری آراسته، بی‌نقص و اغلب فیلترشده که میل به تغییر چهره را تشدید می‌کند. در این میان، هزینه بالای خدمات قانونی و استاندارد در کلینیک‌های معتبر، بسیاری را به سالن‌هایی هدایت کرده است که با شعارهای اغواکننده و تخفیف‌های چشمگیر اعتماد را شکار می‌کنند. افراد گمان می‌کنند که تنها در حال انجام یک فرآیند ساده برای زیبایی‌ی‌اند، در حالی که بدنشان در معرض دستکاری‌های پزشکی بدون مجوز قرار دارد.

تجربه‌های تلخ قربانیان نشان می‌دهد که این سهل‌انگاری در تصمیم‌گیری، تنها یک اشتباه فردی نیست پیامدهای اجتماعی دارد. هر نقص زیبایی کوچک که برای اصلاحش مراجعه صورت می‌گیرد، می‌تواند به نقصی بزرگ‌تر تبدیل شود که نیازمند جراحی‌های پیچیده و هزینه‌های گزاف است. سرمایه انسانی و مالی که از بین می‌رود، تنها بخش قابل مشاهده ماجراست. بخش ناپیدا، فرسایش روانی و کاهش اعتماد اجتماعی به نهادهای درمانی است.

نظارتی که دیر می‌رسد یا نمی‌رسد

مسئولیت قانونی رسیدگی به مداخلات غیرمجاز در سه سطح وزارت بهداشت، اتحادیه‌های صنفی و دستگاه‌های قضایی تعریف شده است. هرچند بارها اطلاعیه‌های هشداردهنده صادر شده و معدودی از این مراکز پلمب شده‌اند، استمرار تخلفات نشان از آن دارد که سازوکار نظارت کارآمد نیست. افزایش تعداد پرونده‌های قضایی در حوزه آسیب‌های زیبایی، ضعف جدی در اجرای قوانین و پیگیری حقوق مصرف‌کنندگان را آشکار می‌کند. با این حال، مسئله صرفاً برخورد سلبی نیست. بسیاری از مردم حتی نمی‌دانند که دریافت چه خدماتی در آرایشگاه مجاز است و تشخیص صلاحیت ارائه‌دهندگان خدمات را دشوار می‌دانند. نبود نظام شفاف اطلاع‌رسانی و بانک قابل اعتماد از متصدیان دارای مجوز، فضای خاکستری و مبهمی ایجاد کرده است. رسانه‌ها نیز تا حدودی گرفتار بازنشر همان تبلیغاتی هستند که گاهی سلاطین جامعه را تهدید می‌کنند؛ اما جامعه می‌تواند تصمیم بگیرد که زیبایی چیست و چگونه به دست می‌آید. اگر زیبایی به کالایی مصرفی و قابل خرید در هر کوچه بدل شود، بدن و سلامت انسان به حاشیه رانده می‌شود. در چنین شرایطی، پرسش اصلی این نیست که چرا سالن‌ها تخلف می‌کنند. پرسش این است که چرا جامعه به حالتی رسیده است که آسیب‌دیدگان می‌گویند آرزو می‌کردند زمان عقب برگردد تا برای ارزان شدن چند صد هزار تومان، سلامت خود را معامله نکنند.

زیبایی حقی شخصی است، اما سلامت حقی جمعی است. هر بار که فردی در فضایی غیرایمن تزئین انجام می‌دهد، جامعه در معرض آسیبی تازه قرار می‌گیرد. آرایشگاه‌ها مطب نیستند و مطب‌ها نباید میدان رقابت قیمت باشند. اگر مرز میان درمانگری و آرایشگری روشن نشود، نه تنها سلامت افراد قربانی می‌شود، که اعتبار همه صنف‌های رسمی فرو می‌ریزد و بازار بی‌قانونی جای قانون را می‌گیرد. در نهایت، مسئله تنها نظارت نیست. مسئله این است که تا چه زمانی حاضر هستیم فریب طواجر زیبا را بخوریم و به بهای چند لحظه خودنمایی، جسم و روان خود را در دست افراد فاقد صلاحیت قرار دهیم. زیبایی اگر به قیمت جان تمام شود، دیگر زیبایی نیست. انتخاب مردم میان امنیت و ظاهر نیست. انتخاب میان دانش و جهل است. و هر بار که جهل پیروز شود، ضربه‌ای بر پیکر جامعه فرود می‌آید که صدای آن دیر یا زود شنیده خواهد شد.



هم‌اتاقی جناب یامال در تیم بارسونا می‌کنیم»، ایشان را سرکشیسه می‌کنند!

پرده‌آخِر:

در حالی که جناب قاضی، مستر رایتز و منشی روی نیمکت قهوه‌خانه سنتی شهر نشسته‌اند و آماده حمله جوانمردانه به دیزی سنگی و پارچ دوغ گازدارند، منشته محترم با مشت ضربه محکمی بر فرق پیاز گنده داخل سفره می‌کوبد و زیرلب می‌گوید: «برخی از این جماعت باید مثل پیاز یکویی تو سرشان تا شیرین شوند؛ اگر آرام برگ‌هایش را جدا کنی، از شدت تندی اشکت را درمی‌آورند!»

پرده‌می‌افتد.

به تاریخ: دیروز/ امروز/ فردا

بزنیم به جوانی جان! به چاق‌سلامتی باهاش داشته باشیم و پاسخ این سؤال را از محضرشان بپرسیم.

منشی: به‌روی تخم دید گنم!

قاضی: خب جناب مستر رایتز، فرمایید ببینیم «مدارس فوتبال» در فوتبال پایه یعنی چی؟
مستر رایتز: جناب قاضی بزرگوار، زدید وسط خال؛ کیف فرمودیم از این سؤال!
عارضم که: فوتبال پایه و تشکیل مدارس فوتبال اصولاً یک کار ارزنده و علمی برای پشته‌نسازی در فوتبال بزرگسالان هر کشور صاحب‌سبکی در دنیا است، اما شوربختانه در اینجا اگر به تریپ قبابی بعضی‌ها بر نخورد، اندکی از جماعت کاسبان فوتبال، پای پدر و مادرها را به مدارس فوتبال باز می‌کنند و با وعده‌های سر خرمی که «بچه‌های‌تان را

محاکمه‌ای با طعم دوغ گازدار؛ دیزی سنگی بر سر فوتبال!

محمودکاتبی

این جلسه رسمی «دادگاه کاغذی هوادار» به نام دیزی سنگی آغاز می‌شود! لازم به ذکر است این دادگاه صرفاً روی کاغذ است و هیچ دستگیری و دستبندی در کار نیست؛ متهمین نه‌ای‌تا پایشان به تحریریه روزنامه باز می‌شود، نه زندان. با این توضیح، رنگ آغاز دادگاه نواخته شد.

پرده یکم:

قاضی: همکار محترم، جناب آقای منشی عزیز! سلام علیکم
منشی: علیکم‌السلام جناب حاج‌آقا قاضی. ان‌شاءالله که از بنده‌راضی هستید!
قاضی: منشی‌جان، البته که راضی هستم! امروز پرونده چی داریم؟
منشی: خلاف عقربه‌های ساعت دور‌تان بگردم، امروز هیچ پرونده‌ای نداریم!

قاضی: از بس این چند روزه درگیر پرونده‌های فوتبالی بودیم، دلمان برای فوتبال تنگ شده!
منشی: الهی مثل همای سعادت دور سرتان چرخial برزند! یک بنده‌خدايي را می‌شناسم به اسم «مستر رایتز»؛ خیلی دلش از دست فوتبال پُر، عاشق دیزی سنگی و یک لیوان دوغ زعفرانی هم هست! اجازه فرمایید رنگ بزنم بباید اینجا، کمی از دنیای فوتبال برای‌مان تعریف کند؟ البته ببخشید... فقط یک خورده زیادی ور می‌زند!
قاضی: اشکال ندارد، بگو بباید. کمی بخندیم، شاید دلمان مثل دروازه بعضی از تیم‌های فوتبال، گازاز شدا!

پرده دوم:

منشی: خب جناب مستر رایتز، خوش آمدید! جناب آقای رئیس می‌خواهند با برخی از اصطلاحات فوتبال آشنا شوند. لطفاً پاسخ حاج‌آقا بدهید.
مستر رایتز: با عرض سلام خدمت جناب آقای رئیس

گردشگری

گردشگری درون شهری و پیرامونی؛

فرصتی برای تنفس دوباره کرج

فواد شمس

کرج، شهری که روزگاری به عنوان «حیات خلوت تهران» شناخته می‌شد، امروز خود به یکی از کلان‌شهرهای پرجمعیت و پرشتاب ایران تبدیل شده است. رشد بی‌برنامه، تراکم ساخت‌وساز، آلودگی هوا و کمبود فضاهای عمومی، کیفیت زندگی شهروندان را با چالش‌های جدی روبرو کرده است. در چنین شرایطی، گردشگری درون‌شهری و پیرامونی می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد توسعه پایدار و ابزاری برای بازگرداندن نشاط و هویت به شهر عمل کند.

گردشگری درون‌شهری در کرج، از بازدید از باغ فاتح، کاخ سلیمانیه، پارک چمران و مسیرهای پیاده‌روی در حاشیه رودخانه کرج گرفته تا بازارهای محلی و خانه‌های تاریخی در حصارک و فردیس، می‌تواند به احیای روح اجتماعی و فرهنگی شهر کمک کند. این فضاها نه تنها به عنوان مقاصد تفریحی، که به عنوان مکان‌هایی برای بازشناسی تاریخ، طبیعت و تعامل شهروندان اهمیت دارند.

در پیرامون کرج نیز، مناطق طبیعی و روستایی مانند آسار، شهرستانک، کندر، برفان، و طالقان ظرفیت‌های گسترده‌ای برای توسعه گردشگری پایدار دارند. این نواحی، اگر با برنامه‌ریزی دقیق و مشارکت جوامع محلی مدیریت شوند، می‌توانند به جای قربانی شدن زیر فشار گردشگری انبوه، به کانون‌های آموزش زیست‌محیطی و الگوهای اقتصاد سبز بدل گردند.

گردشگری درون‌شهری و پیرامونی در کرج، فرصتی‌ست برای کاهش فشار بر زیرساخت‌های مرکزی شهر، تقویت حس تعلق شهروندان به محیط زندگی‌شان و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و بومی. این شکل از گردشگری، علاوه بر بازتوزیع فضایی ترافیک و جمعیت، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش مصرف انرژی، افزایش فضاهای سبز و ارتقای سلامت جسمی و روانی شهروندان ایفا کند.

در نهایت، کرج برای تبدیل شدن به شهری زیست‌پذیر و پایدار، نیازمند بازتعریف رابطه انسان، طبیعت و شهر است. گردشگری شهری و پیرامونی، اگر از نگاه صرفاً اقتصادی خارج و به چشم یک فرآیند فرهنگی و زیست‌محیطی دیده شود، می‌تواند همان هوایی باشد که این کلان‌شهر خسته برای ادامه زندگی به آن نیاز دارد.

اصغر قلندری

در این گزارش به روند مدیریت و انتخاب افراد در رأس هیئت مدال‌آور و پرافتخار کاراته استان اصفهان می‌پردازیم؛ هیتی که همواره از هیئت‌های شاخص کشور بوده است، اما در ماه‌های اخیر روزگار پرحاشیه‌ای را پشت سر گذاشته است. ماجرا از حدود هفت ماه پیش و در اسفندماه ۱۴۰۳ آغاز شد، زمانی که در جریان برگزاری مسابقات شب‌های ماه مبارک رمضان، تنش جدی شکل گرفت و با ورود نیروی انتظامی ماجرا پایان یافت. این اتفاق در نهایت به برکناری محمد علیزاده، رئیس پیشین هیئت، انجامید. در همان زمان به موضوع در روزنامه دنیای هوادار اشاره شد. پس از این تحولات و تا زمان برگزاری مجمع انتخاباتی برای تعیین رئیس جدید، هیئت کاراته استان با سرپرستی نگاهی به بنیان‌گذاران و مدیران گذشته این هیئت نشان می‌دهد که کاراته استان اصفهان طی سال‌ها بر دوش افرادی پیش رفته که منشأ خدمات فراوان بوده‌اند و بری رشد و پیشرفت این رشته تلاش صادقانه کرده‌اند، اما چند سال اخیر برای کاراته اصفهان سال‌های خوشی نبوده است.

بنیان‌گذاری کاراته در اصفهان به استاد فقید حاج مصطفی سلطانی بازمی‌گردد. او بی‌اغراق از نخبگان و استادان برجسته این رشته در نصف‌جهان و ایران به شمار می‌رفت. یادش گرامی.
پس از ایشان نیز حضور چهره‌های شاخص زیادی موجب اعتلای کاراته اصفهان شد؛ از جمله شهید والا مقام ابراهیم نصرآزادانی (رئیس هیئت ورزش‌های رزمی استان اصفهان)، استاد حاج حبیب‌الله ناظریان در دو دوره پیش و پس از ریاست بر فدراسیون کاراته، استاد علی دونیان، استاد حاج اکبر تقیان، سرپرستی استاد حاج‌رسول کاظمی و همراهی بسیاری از استادان زحمت‌کش همچون داریوش باقری و دیگران. همین حضور پررنگ، جایگاهی رفیع برای کاراته اصفهان رقم زد تا جایی که می‌توان آن دوران را «عصر طلایی کاراته» در چند دهه گذشته نامید.

با این حال، سال‌های اخیر با بحران‌هایی همراه شد. جابه‌جایی‌های پی‌درپی و بی‌ثباتی مدیریتی موجب افت محسوس این رشته گردید و رقابت‌های تنگاتنگ و بعضاً تنش‌آلود میان مدعیان کرسی ریاست هیئت، شرایط را بحرانی کرد. امید می‌رود با انتخابات اخیر، این حواشی پایان یابد و کاراته اصفهان دوباره به مسیر درخشش بازگردد.

پیش از برگزاری مجمع انتخاباتی، سرپرستی هیئت به روح‌الله کاظمی از کارکنان اداره کل ورزش و جوانان

واگذار شد و دبیری نیز بر عهده محمد ابوطالبی قرار گرفت. با این ترکیب مدیریتی، پیش‌بینی می‌شد که همچنان همان نگاه و سازوکار غالب گذشته ادامه یابد و امکان برگزاری انتخاباتی کاملاً سالم فراهم نشود. سرانجام، با اعلام ثبت‌نام و حذف برخی شرایط ضروری از فرآیند، پروژه نیمه‌تمام مدیریت موقت در روز شنبه سوم آبان‌ماه ۱۴۰۴ پایان یافت.

انصراف تقیان و شوک بزرگ

ماجرا در حالی پیش رفت که پیش از اعلام نهایی اسامی کاندیدها، یکی از نامزدها به نام سعید اتالی به علت نداشتن شرایط لازم حذف شد. اما کمی بعد خبری در فضای مجازی منتشر گردید که حکایت از ارسال نامه‌ای قدیمی از سال ۱۳۸۹ داشت و به کناره‌گیری یکی از کاندیدها اشاره می‌کرد. بررسی‌ها نشان داد دبیر مجمع انتخاباتی هیئت استان که مسئول اعلام و ثبت شرایط طبق آیین‌نامه بوده است، شرط دریافت موافقت‌نامه از رئیس و نایب‌رئیس مجمع را در فرآیند ثبت‌نام اعمال نکرده است. این خطا نخستین و جدی‌ترین اشتباه انتخاباتی در روند مجمع محسوب می‌شد.

فدراسیون کاراته با استناد به آیین‌نامه، اعلام نمود که آقای اکبر تقیان هنگام ثبت‌نام، موافقت‌نامه رئیس و نایب‌رئیس مجمع را ارائه نکرده است. بدین ترتیب، تپ در زمین اداره کل ورزش و جوانان و هیئت استان قرار گرفت. در ادامه، دبیر مجمع برای اصلاح این اشتباه، طی نامه‌ای رسمی ضمن تقدیر از چهارده سال خدمات این پیشکسوت، موضوع را به اداره کل و فدراسیون منتقل کرد. در نهایت رئیس فدراسیون و مدیرکل ورزش و جوانان، به عنوان رئیس و نایب‌رئیس مجمع، موافقت کتبی خود را با حضور آقای تقیان که تجربه بالایی در مدیریت هیئت کاراته دارد، اعلام کردند

تا وی بتواند وارد رقابت انتخاباتی شود.
در سوی دیگر، حمایت رسمی، آقای تقیان و تیم همراه او شرایط را کاملاً ناعادلانه ارزیابی کردند. آنان معتقد بودند در فضای مجازی برنامه‌ریزی‌هایی برای لابی‌گری و تخریب صورت گرفته است. بنابراین انصراف خود را از حضور در انتخابات اعلام کردند. این تصمیم شوک جدی به مجمع وارد کرد و آنان چنین انتخاباتی را فاقد معنا دانستند.
در سوی دیگر، چهره‌های جوان، تحصیل‌کرده و سابقه‌دار در کاراته، شامل محمدرضا باتوانی، امین طالبی و میثم ریاحی، که همگی از قهرمانان پیشین کاتا و دارندگان مدال‌های آسیایی و جهانی بودند، به طور جدی وارد عرصه رقابت شدند. پس از انصراف حاج اکبر تقیان و خانم شهبازی، رقابت میان چهار نام‌باقی‌مانده یعنی وحید حیدریان، محمدرضا باتوانی، امین طالبی و میثم

نصف‌جهان

بحران مدیریتی در ورزش مدال‌آور نصف‌جهان؛ کاراته اصفهان در جست‌وجوی ثبات



ریاحی ادامه یافت.

روز سوم آبان‌ماه، با حضور مسعود رهنما (رئیس فدراسیون کاراته)، مهدی صدری (مدیرکل ورزش و جوانان) و اعضای مجمع، انتخابات برگزار شد. نتیجه دور نخست چنین بود: وحید حیدریان ۱۴ رأی، محمدرضا باتوانی ۱۴ رأی، امین طالبی ۶ رأی و میثم ریاحی ۲ رأی. هیچ‌یک از نامزدها به اکثریت لازم دست نیافتند و انتخابات به دور دوم کشیده شد.

در دور دوم، ۶ رأی دیگر به حیدریان و ۲ رأی به باتوانی افزوده شد. بدین ترتیب وحید حیدریان با کسب ۲۰ رأی در برابر ۱۶ رأی محمدرضا باتوانی، به عنوان رئیس هیئت کاراته استان اصفهان انتخاب گردید.

نظر کارشناسان کاراته اصفهان

گفت‌وگوی تلفنی «دنیای هوادار» با تعدادی از بزرگان و کارشناسان کاراته اصفهان نشان می‌دهد که بیم آن می‌رود مدیریت این رشته به دوران محمد علیزاده شباهت پیدا کند. تنها در صورتی می‌توان به بهبود شرایط امید داشت که رئیس جدید هیئت از حضور افراد خبره، کارشناسان فنی به‌روز، آگاه به فضای کاراته کشور و مسلط بر امور اداری و اجرایی بهره‌مند شود تا این رشته از بحران موجود فاصله بگیرد.
«دنیای هوادار» ضمن احترام به نتیجه انتخابات و اکثریت آرای مجمع، انتخاب وحید حیدریان با ۲۰ رأی در برابر ۱۶ رأی محمدرضا باتوانی، قهرمان ارژمند کاتا، را تبریک می‌گوید. پیروزی‌ای که با فاصله‌ای اندک رقم خورد و نشان‌دهنده فضای رقابتی شدید انتخابات بود. این رسانه به‌عنوان یک توصیه صمیمانه و خیرخواهانه یادآور می‌شود که اگر حیدریان برای خدمت به کاراته پرافتخار اصفهان قدم به میدان گذاشته و در پی موفقیت است، لازم است از تجربه و توان بزرگان، نخبگان، پیشکسوتان و مدیران آگاه این عرصه در اداره هیئت استفاده کند. چنانچه مدیریت هیئت با همان شیوه دوره سرپرستی ادامه یابد، به احتمال زیاد نتیجه مطلوبی رقم نخواهد خورد و چه‌بسا مدت مدیریتی او از دوران محمد علیزاده نیز کوتاه‌تر شود. امید می‌رود که چنین سرنوشتی شکل نگیرد و کاراته اصفهان بار دیگر به جایگاه شایسته خود بازگردد.

دست‌به‌نقد



شابروл بواسطهٔ این تصمیم نوگرایانه‌اش توانست محیط بیرونی شخصیت اصلی و شکست‌خوردهٔ فیلم را به درونیات او الصاق کند و از دل آن به خلق یک اتمسفر مالیخولیایی برسد. اتمسفر فیلم به‌خوبی در خدمت قصهٔ فیلم و آدم اصلی‌اش قرار دارد. آدمی که هرچه تلاش می‌کند بیشتر در منجلاب فرومی‌رود. توگویی زمین و آسمان و اصلاً تمام کائنات علیه او بسیج شده‌اند تا دخلش را بیاورند.

یکی از مؤلفه‌های تکنیکی مهم و پرتکرار شابرول، استفاده از عدسی زوم و حرکت دالی است. علاقهٔ شابرول به این تمهیدات بنوعی برمی‌گردد به جهان‌بینی حاصل از دیدگاه تقدیرگرایانه و جبری او. به‌هنگام استفاده از عدسی‌های زوم، فاصلهٔ حقیقی دوربین تا سوژه دست‌نخورده می‌ماند و در این میان، احساس عمق فدا می‌شود که این نهنها بیانگر جبر حاکم روزگار بر سر آدم‌های فیلم‌های‌اش است که این جبر را به تماشاکر هم منتقل می‌کند. شابرول عدسی‌های زوم را بکار می‌برد تا دولپس تماشاکر را به‌شکلی اجباری روی سوژه‌ای خاص متمرکز کند. یکی از بدیع‌ترین اشکال استفاده از این گونه از عدسی‌ها و تلفیق آن با حرکت تراولینگ در سکانس پایانی «زن بی‌وفا»(۱۹۶۹) رقم می‌خورد. نگارنده پیش‌تر به ژست پلیس این فیلم اشاره کرده است، اما سحرآمیزبودن این ژست در نقطهٔ اوج آن در گروی دالی زوم پایانی آن است. در سکانس پایانی فیلم، دو مأمور در عمق میدان پدیدار می‌شوند که خبر از آن می‌دهند که گویی بدنبال مرد آمده‌اند و قصد دارند تا او را با خود ببرند. مرد به‌سمت آن‌ها می‌رود و دوربین کات می‌شود به یک مدیوم‌شات از مرد و دیولیس. پس از آن ناگهان نما کات می‌شود به یک اکستریم لانگ‌شات از زن و فرزند مرد. انگار با پی‌اووی مرد طرف هستیم. دوربین آهسته به‌سمت عقب حرکت می‌کند و این نکته را به ذهن متبادر می‌نماید که دولپس درحال بردن مرد هستند، اما ناگهان دوربین پس از مدتی ضمن تداوم حرکت به عقب به جلو زوم می‌کند. تقریباً مشابه کاری که هیچکاک در «سرگیجه»(۱۹۵۸) انجام داده بود. این فرم دیالکتیکی بکارگیری دالی زوم بنظر نمی‌رسد بازتابندهٔ نظرگاه شخصیت قاتل باشد. نوع بکارگیری آن از جایگاه سمشخصیت بی‌شک آن ژست مرموز را در خاطر زنده می‌کند و اینکه اگرچه او درحال ترک آن خانه است اما همچنان بخشی از خودش را در آن مکان بجا می‌گذارد؛ چرا که معتقد است در سیر این عمل مجرمانه، زن نیز مقصر است.

نگاه جبری به مخاطب و شوخی با تماشاکر از طریق استفاده از نمای زوم به‌خوبی در سکانس مهمانی فیلم «این مرد باید بمیرد»(۱۹۶۹) قابل شناساییست. جایی که در نماهای متناوب لانگ‌شات، فیلم‌ساز در ظاهر به بیننده‌اش در دنبال‌کردن سوژهٔ موردعلاقه آزادی عمل می‌دهد، اما با زوم‌های نرم این خیال خام مخاطب را برهم می‌زند. جدای از دومنظر قبلی، استفاده از عدسی زوم و تراولینگ‌های رو به جلو و عقب برای شابرول تبیین‌کنندهٔ بخشی از زیبایی‌شناسی تصویری هم هست. سکانس به‌قتل‌رساندن زن توسط همسرش (با بازی میشل پیکولی) بوسیلهٔ تصادم کاربرد تمهیدات دوربینی و استفادهٔ درست از نور و ایجاد سایه، بسیار تأثیرگذار جلوه کرده است.

در فیلم‌های «دوخ»(۱۹۹۴) و «ویولت نوزی‌یر»(۱۹۷۸) از زوم‌های عقب و جلو برای بازی‌های روایی و جداسازی فضاهای عینی و ذهنی استفاده شده است. شابرول حتی استفادهٔ عجیب‌تری هم از عدسی‌های زوم و فیلم‌نامه‌ای از ژان کوکتو تأثیرپذیرفته است. «پسرعموها» شاید هولناک‌ترین و بی‌رحم‌ترین اثر شابرول باشد؛ اما این تلخی و سیاهی صرفاً به داستان کوبندهٔ فیلم برنمی‌گردد بلکه تمهید فنی اعجاب‌برانگیز شابرول است که بنیان‌های تنگناهراسانهٔ فیلم را قوام می‌بخشد. شابرول در این فیلم به‌شکل غیرمنتظره‌ای از عدسی واید (عدسی زاویه باز) بهره می‌گیرد تا اشیاء و فضایی که کارکنترها در آن قرار می‌گیرند را از شکل بیاندازد. او با این‌کار از فضاهای تجسمی داخلی آشنایی‌زدایی کرده و خطوط چارچوب‌ها را درهم می‌شکند.

نگاهی به سینمای کلود شابرول از خلال مؤلفه‌های سبکی و دیدگاه‌های انتقادی‌اش

شابرولی که نمی‌شناسید!

نکته‌ها در سینمای کلود شابرول

امیرحسین بهروز

برای نوشتن از کلود شابرول شاید بهترین مدخل آن چیزی باشد که در فضای آکادمیک سینمایی بر او گذشته است. می‌توان از او با جملاتی از این دست یاد کرد: «مهم‌جورترین فیلم‌ساز موج نوی فرانسه» یا «کم‌قدردیده‌ترین فیلم‌ساز و منتقد موج نوی فرانسه». واقعاً مشخص نیست که جملات قبل تا چه اندازه می‌توانند واقعیت آنچه در مورد او گفته و نوشته شده را عیان کنند، اما چیزی که بوضوح قابل تشخیص و بررسی می‌نماید این واقعیت است که در میان فیلم‌سازان موج نو و منتقدان نسل اول کایه دو سینما به شابرول کمتر از بقیه بها داده شده است. در میان فیلم‌های عمر و برتری که مجلات و سایت‌های مختلف به بهانه‌های گوناگون در برهه‌های زمانی متفاوتی معرفی می‌کنند سهم شابرول نسبت به بقیهٔ همکارانش درنظر منتقدان کمتر است. دانشجویان عموماً چندان رغبتی به سینمای او برای برگزیدن عنوان جهت کارکردن بر روی پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی-پژوهشی‌شان از خود نشان نمی‌دهند. در وهلهٔ نخست این غریب‌انگی تا حدودی طبیعی می‌نماید. سینمای شابرول نه آنچنان بازنمایی یک سبک استعلایی ویژه به سیاق اریک رومر است و نه آن آوانگاردیسم فیلم‌سازانی چون ژان لوک گدار و ژاک ریوت را دارد. از طرفی، در سینمای شابرول از آن تطورات ژانری‌ای که در فیلم‌سازی چون تروفو می‌بینیم، خبری نیست (جدای از این تروفو با نگارش مقالهٔ جنجالی «گرایی‌شی خاص در سینمای فرانسه» که در شمارهٔ ژانویهٔ سال ۱۹۵۴ کایه دو سینما به چاپ رسید، اعتبار ویژه‌ای برای خود دست‌وپا کرده بود).

سینمای شابرول را عموماً با بهانهٔ شباهتش به سینمای هیچکاک نسخه‌نویسی کرده‌اند و یک عنوان «تریلر روان‌شناختی» را هم کنار اسمش چسبانده و خود واقعی‌اش را رها کرده‌اند. حتی زمانی که منتقدی فیلم «قصاب» (۱۹۷۰) او را به‌عنوان «بهترین فیلم فرانسوی پس از اِشغال» خواند؛ مشخص بود که با جمله‌ای صرفاً ادایی و زودگذر طریفم. توگویی منتقد قصد داشته با یک تیر دو نشان بزند. از طرفی دل شابرول را بدست‌آورد و از طرفی دیگر برود و وقتش را روی فیلم‌سازان به‌زعم خودش مهم‌تر بگذارد. بنظر می‌رسد که با وجود ستایش‌های شکست‌هستنه‌ای که در طی سالیان گذشته از قلم و دوربین شابرول شده، امروز دیگر تقریباً حرف تازه‌ای در مورد او وجود ندارد. هنوز هم همان دیروز‌ها تکرار می‌شوند: «هیچکاک‌تری‌ن فیلم‌ساز موج نوی فرانسه» یا «مؤلفی در زمینهٔ تریلر‌های روان‌شناختی». همهٔ این‌ها درست است اما بی‌شک کارنامهٔ پرپار شابرول نیاز به بازنگری و شرحی تازه دارد. در این‌نوشتار، سعی شده است از نقطه‌نظری متفاوت به فیلم‌های او نگاه کنیم و مؤلفه‌های نگفته‌ای از سینمای‌اش را بازگو کنیم.

ژست‌ها در سینمای شابرول

«ژیل دلوز» گفته است که سینما تمایز روان‌شناختی گمراه‌کننده میان تصویر در مقام واقعیت روانی و حرکت در مقام واقعیت فیزیکی را محو کرده است. تصاویر سینماتوگرافیک نه وضعیتهای ابدی (مثل فرم‌های کلاسیک) هستند و نه مقاطع یا برش‌های بی‌حرکت، بلکه برش‌های متحرک هستند، یعنی خود تصاویر در حرکت‌اند یا به تعبیر دلوز «حرکت‌تصویر». لازم است بحث دلوز را ادامه دهیم و نشان دهیم که چگونه این بحث به جایگاه تصویر در دوران مدرن مربوط است. این موضوع بدین‌معناست که صلابت اسطوره‌ای تصویر خرد شده است و اینکه در اینجا توگویی هیچ تصویری وجود ندارد، مگر ژست‌ها. (آگامبن، ۱۴۰۱، ۱۴-۱۵)

سینما تصاویر را به زادگاه ژست‌ها بازمی‌گرداند. بنا به تعریف زیبایی‌ضم‌در نمایش‌نامه «رؤیای یک شب» بکت، سینما رؤیای یک ژست است. رسالت کارگردان این است که عنصر هشجاری را وارد این رویا کند. در سینما جامعه‌ای که ژست‌های‌اش را از دست داده، درعین‌حال، می‌کوشد آن را بازیابد و فقدانش را ثبت کند. پرسش نخستین اما طبعاً این است: یک ژست چیست؟ وارو تبیین ارزشمندی از آن ارائه می‌کند. او ژست را درون قلمروی عمل حک و ثبت می‌کند، اما او مشخصاً آن را از اجراکردن و ساختن جدا می‌کند. چیزی که ژست را مشخص می‌کند این است که در

آن هیچ‌چیز تولید یا عمل نمی‌شود، بلکه در عوض چیزی تحمل و حمایت می‌شود. به بیان دیگر، ژست، قلمروی «ethos» را به‌منزلهٔ قلمروی مناسب‌تر چیزی می‌گشاید که «انسان» نام دارد. آنچه در تبیین وارو تازه است شناسایی نوع سومی از عمل در کنار دوتای دیگر است: اگر ساختن با توجه به یک غایت، یک وسیله است و پراکسیس یک غایت بدون وسیله است، آنگاه می‌توان گفت که «ژست» از دوره‌اهٔ کاذب میان غایت و وسایل دل می‌کند، دوره‌های که اخلاقیات را فلج می‌کند. اصل فرجامیت بدون وسیله همانقدر بیگانه‌کننده است که واسطه‌گری فقط با توجه به یک غایت واجد معناست. اگر رقص یک ژست است به این خاطر است که رقص چیزی نیست مگر دوام و نمایش خصلت رسانه‌ای و واسطه‌ای حرکات جسمانی. در نتیجه، ژست نمایش نوعی واسطه‌گری است. فرآیند مرثی‌کردن یک وسیله به‌مثابهٔ یک وسیله. ژست اجازه می‌دهد تا آدمیان در مقام بودن در یک واسطه ظاهر شوند و بنابراین بُعدی اخلاقی برای آن‌ها می‌گشاید. آنچه در قالب ژست‌ها به آدمی منتقل می‌شود، نه حوزهٔ غایتی فی‌نفسه، بلکه حوزهٔ نوعی واسطه‌گری ناب و بی‌پایان است. (آگامبن، ۱۴۰۱، ۱۷)
ژست در این مفهوم، انتقال یک ارتباط‌پذیری است. یک ژست دقیقاً چیزی برای گفتن ندارد، چرا که آنچه نشان می‌دهد، بودن - در - زبان انسان در مقام یک واسطه‌گری ناب است. باین‌حال، از آنجا که بودن - در - زبان چیزی نیست که بتوان آن را در جمله ارائه کرد، ژست اساساً همواره ابژهٔ قادرنبودن برای سردرآوردن از چیزی در زبان است. ژست همواره قسمی دهان‌پند می‌شود، بلکه قرابت و بایستهٔ کلمه است که پیش از همه بیانگر چیزی است که می‌تواند در دهان شما گذاشته شود تا سخن‌گفتن را مانع شود و به تعویق اندازد و همچنین ژست در مفهوم بداهه‌پردازی بازیگر، قصدش جبران و ترمیم یک فقدان حافظه یا ناتوانی از صحبت‌کردن است. از این نقطه، نغتنها قرابت میان ژست و فلسفه حاصل می‌شود، بلکه قرابت میان سینما و فلسفه نیز روشن می‌شود. «سکوت بنیادین سینما» (که هیچ ارتباطی با حضور یا غیاب موسیقی متن و حاشیهٔ صوتی ندارد)، درست شبیه به سکوت فلسفه است، نمایش بودن - در - زبان موجودات انسانی است:

یعنی «ژست‌بودن ناب» (آگامبن، ۱۴۰۱، ۱۸) سینما را در شکل ناب و ماندگونه‌اش، باید سینمای احیای ژست‌ها دانست. سینمایی که دهه‌ها پیش روپر برسون آن را رها از قیود روایت اعلام کرده بود، همان سینمای مبتنی بر ژست‌هاست. خود برسون استاد بی‌چون‌وچرای ثبت ژست‌های ناب بشری بود، سبکی که هم‌زمان، دیگر استاد فرانسوی، ژان پیر ملویل، به آن ایادی جادویی بخشید. ملویل را عموماً با عبارت کلیشه‌ای «غم‌خوار گنگسترها» توصیف می‌کنند، عبارتی که به‌معنای ثبت ژست‌های فراموش شده و از‌دست‌رفتهٔ گنگسترها است. (اسلامی، ۱۴۰۱، ۲۵)

حال برسیم به سینمای کلود شابرول و ببینیم او کجای این قضیه ایستاده است. اساساً سینمای او سینمای ژست‌هاست. او انسان‌هایی را ثبت می‌کند که به طریقی به تاریخ پیوسته‌اند و امروز و در قاب‌های‌اش تنها شبی از آنان نمایان است. عموماً شخصیت‌های مکمل آثارش حامل ژست‌های سرگردانی‌اند که تنها در خیالات و اوهام ما حضور دارند. سوئهٔ تراژیک آثار شابرول نیز دقیقاً از کنش‌مندی همین ژست‌های ظاهرأ فرعی و بعضاً اصلی است که رقم می‌خورد. برای شروع از بهترین نمونه آغاز می‌کنیم.

اثر جنجالی و پرحرف‌وحديث سال ۱۹۶۵یعنی «مراسم». فیلم، داستان دختری مرموز با گذشته‌ای مبهم است که به استخدام یک خانواده‌ی بورژوایی برای کارکردن در خانه‌شان درمی‌آید. «مراسم» یکی از بی‌بدیل‌ترین و خاص‌ترین موردهای سینمایی در رابطه با مفهوم ژست است. در وهلهٔ نخست خود کارکتر اصلی بواسطهٔ ابهام اغراق‌شده‌ای که در شخصیتش نهاده‌پنده‌شده و سکوت و سکون‌های رمزآلودش تماماً شمایل یک ژست را دارد. درواقع، شخصیت او ماحصل دیالکتیک بین ساکن‌بودن‌های ابهام‌برانگیزش و کنش‌های ناگهانی‌اش است. واکنش‌هایی که در بین سکوت‌ها به یک موتیف آتشین بدل گشته است. این خصلت توأمان تکرار و توقف همان چیزی‌ست که آگامبن در جهت ترسیم درست یک ژست از آن ستایش می‌کند. علاوه‌بر این، شخصیت مرموزتری هم وجود دارد که با

این دختر دوست می‌شود و دلیل تمام خرابکاری‌های بعدی‌اش می‌شود. زنی که نقشش را ایزابل هوپر بازی می‌کند بوقاع یک انسان به‌مثابهٔ یک ابژهٔ شناسا نیست. بلکه او میانجی یک موقعیت و در نهایت دلیل آن پایان تراژیک است. به‌عبارت دیگر، او همان وجههٔ مستر‌هایدی شخصیت اصلی است و به‌همین‌علت هم هست که در پایان آن کشت‌وکشتارها عملاً نابود و ناپدید می‌شود. او همچون شبیحی از ناکجاآباد می‌آید و در نهایت به همان ناکجاآباد بازمی‌گردد.

در فیلم «مادهٔ آهوان»(۱۹۶۸) رابطهٔ غریب، مرموز و ممنوعهٔ دوزن در نهایت با برانگیخته‌شدن حسادت شخصیت مکمل به قتل و خونریزی می‌انجامد. این شخصیت مکمل یک ژست میانجی‌گر است. او نقاشی‌ست که روی زمین‌های خیابان نقاشی می‌کند و به‌ظاهر آدم بی‌پولی‌ست. این تنها چیزی‌ست که ما از او می‌دانیم. از اینجا به بعد صرفاً کنش‌های اوست که موجب واکنش‌های دیگر شخصیت‌ها می‌شود. رابطهٔ او با مردی دیگر موجب می‌شود که شخصیت اصلی زن برای اینکه او را سرچایش بشناسد، برود و با آن مرد ارتباط برقرار کند و از طرفی این اتفاق موجب می‌شود که ژست مکمل از سر حسادت و تنهایی دست به کشتن هردو عشقش بزند. در اینجا او در جایگاه یک المان دراماتیک، شکل‌دهندهٔ عشق خودش، درهم‌شکنندهٔ عشق خودش و در نهایت کشندهٔ عشق خودش است.

در فیلم «زنان خوب»(۱۹۶۰) که یک اثر نئورئالیستی است با نیم‌نگاهی به «شب‌های کابیریا»ی فلیتی؛ به‌نظارة زندگی چند زن که نقطه‌ی اشتراکشان مغازه‌ای‌ست که در آن کار می‌کنند، می‌نشینیم. در بین این زنان، دختری وجود دارد که تا نیمهٔ فیلم تقریباً هیچ دیالوگ مهمی ندارد و از وجنات و اعمال محافظه‌کارانه‌اش مشخص است که دختر محجوبی است. چیزی که چندان در دختران اطرافش به چشم نمی‌خورد. او که تقریباً همچون مجسمه‌ای متحرک می‌نماید ناگهان متوجه مردی می‌شود که در تعقیبش است. دختر به ابراز عشق مردی جوان پاسخ منفی می‌دهد چون در انتظار پیش‌قدم‌شدن مرد دنبال‌کننده است. زن کم‌کم جان می‌گیرد و از حالت خلسه‌وارش خارج می‌شود. سرانجام مرد پیش‌قدم می‌شود. با هم به گشت‌وگذار می‌روند اما داستان اسطوره‌ای مرموز فیلم که مربوط به دستمال آغشته به خون یک متجاوز است، دامن زن جوان را گرفته و مرد، متجاوز و قاتل از آب درمی‌آید. در اینجا که با یک ضدداستان طرف هستیم، سوئهٔ تراژیک فیلم تماماً متمایل به ژست آن است؛ همان دختری که همیشه سکوت کرده است و در آخر هم در مکانی مجهول با هویتی مجهول‌تر می‌میرد.

در فیلم «عروسی در خون» (۱۹۷۳) تمام نقشه‌ها درست پیش رفته است و بنظر می‌رسد افرادی که اعمال مجرمانه را مرتکب شده‌اند درحال قسدررفتن از دست قانون هستند؛ اما در نهایت این دختر زن خیانتکار است که در قامت یک ژست تأثیرگذار که در طول فیلم با وجود هوش بالایش عملاً بی‌کارکرد بود، پرده‌ها را کنار می‌زند. جالب اینجاست که او با هدف نجات‌دادن مادرش برای پلیس نامه می‌فرستد، درحالی‌که او با این کارش عملاً مادرش و فاسق او را به دام می‌اندازد.

در فیلم «از شکام شد متشکر»(۲۰۰۰)، ایزابل هوپر در مقام یک زن بی‌نهایت مرموز که انگیزه‌های‌اش مبهم است و بنظر می‌رسد از نوعی روان‌پریشی رنج می‌برد، یکی از خاص‌ترین ژست‌های شابرول را می‌سازد.

در فیلم «این مرد باید بمیرد»(۱۹۶۹)، زن جذابی که شغلش بازیگری‌ست عملاً میانجی یک انتقام است. وسیله‌ای برای انتقام مردی از مردی دیگر که در یک تصادف پسرش را کشته است. زن حتی در پایان فیلم میانجی‌گر روایت فیلم هم می‌شود تا نامهٔ مرد را بخواند و ما بفهمیم که در حقیقت چه اتفاقی افتاده و مرد در ادامه چه برنامه‌ای دارد. در فیلم «قصاب» (۱۹۷۰)، معلمی که با وجود آگاهی از گناهان معشوقش به او مهر می‌ورزد، یک شمایل اسطوره‌ای از خود ساخته و از طرفی هم بخاطر رعایت فرم دیالکتیکی ایستایی و پویایی، تقبی هم به مفهوم ژست می‌زند.

علاوه‌بر ژست‌های مبتنی بر شخصیت‌های زن که بنظر می‌رسد شابرول در آن مؤلفی بی‌چون‌وچراست؛ در ترسیم ژست‌های پلیس هم توانایی او بوضوح عیان است. بهترین نمونه از این ترسیم اثری است که به «فیلم هیچکاکی»

او معروف است؛ «زن بی‌وفا»(۱۹۷۰). در این فیلم پس از جریان قتلی که اتفاق می‌افتد، دو پلیس به خانهٔ مرد و زن فیلم می‌آیند تا از آن‌ها بازجویی کنند. این بازجویی‌ها در دو نوبت اتفاق می‌افتند اما نکتهٔ جالب توجه متمرکز بر یکی از آن پلیس‌هاست. او در طول این بازرسی‌ها حتی یک کلمه هم صحبت نمی‌کند. این درحالی‌ست‌که ما نگاه نافذ و وحشت‌برانگیز او به سوژه‌ها را از خلال کلوزآپ‌هایی که شابرول از او برپایمان به نمایش می‌گذارد، حس می‌کنیم و دقیقاً به‌همین‌علت هم هست که در پایان فیلم و زمانی که پلیس‌ها پی به حقیقت ماجرا برده‌اند ما تقریباً اطمینان داریم که همین پلیس بدون دیالوگ است که حقیقت ماجرا را کشف کرده است و ما این اطمینان را درحالی کسب می‌کنیم که شابرول برخلاف فیلم دیگرش یعنی «بی‌گناهان با داستانی آلوده»(۱۹۷۵)، حتی یک سکانس از صحبت‌های بین دو پلیس را نشان نداده است و صرفاً با ژست قوی‌ای که از یکی از آن دو ساخته، دستاوردهای این دو پلیس را برای ما قابل باور و قانع‌کننده می‌نماید. بنظر کلی در سینمای کلود شابرول، پلیس‌ها در جایگاه یک خدای همه‌چیزدان قرار دارند. پلیس‌های آثار او باهوش هستند؛ حتی گاهی بطریز اغراق‌آمیز. این هوش در فرم روایی آثار او دو جور عمل می‌کند: یکی همچون فیلم «زن بی‌وفا» که ما از یکی از آن دو دیده‌ایم و این تعلیق در ما ایجاد می‌شود که آیا بالاخره پلیس‌ها از آن سردرمی‌آورند یا نه. این شیوه در فیلم «بی‌گناهان با داستانی آلوده» نیز حاکم است. اما نوع دوم گونه‌ای‌ست که ما هم تمام حقیقت را نمی‌دانیم و از طریق پلیس است که به حقیقت ماجرا پی می‌بریم. این فرم در فیلم «این مرد باید بمیرد» برقرار است.

جدای از این دو ژست کلی زنان و پلیس‌ها، یک مورد ویژه هم وجود دارد که در هیچ‌کدام از این دو گروه قرار نمی‌گیرد، اما به تمامی مبتنی بر میزانشن‌های ژست‌محور است. این‌فیلم، شاهکار قدرنادیده‌ای‌ست با نام «شکستن»(۱۹۷۰). نکتهٔ جالب درمورد این فیلم این است که بجز دو شخصیت اصلی فیلم یعنی زن و مردی که مأمور شده است تا از او آتو جمع کند؛ تمام شخصیت‌های (یا بهتر است در اینجا بگوییم تیپ‌ها) فرعی فیلم، ژست هستند. از آن شوهر مجنون‌گشته با شمایل یک هیولای باستانی بگیر تا دختر شیرین‌عقل اما فتوژنیک صاحبان آن پانسینون تا پیرزن‌هایی که دائماً مشغول ورق‌بازی هستند تا همسر مرد با آن شمایل تماماً جنسی‌اش و آن مرد فاضلی که ظاهراً یک بازیگر تئاتر است و حتی آن بادبادک‌فروش پارک؛ همه و همه ژست‌های انسانی و پیش‌برندهٔ داستان فیلم و از پس آن حل‌کنندهٔ مسئلهٔ «شکستن»(۱۹۷۰) هستند. حتی آن بادبادک‌فروش با رهاکردن آن بادبادک‌ها، تکنیک و رنگ‌پردازی سایکدلیک پایانی فیلم که در جهت بازنمایی فروپاشی روانی شخصیت اصلی زن است را تعیین می‌کند. ضمن اینکه این نکتهٔ مهم را نیز نباید نادیده گرفت که اجتماع همین ژست‌ها باعث می‌شود تا تماشای «شکستن» به یک تجربهٔ طنز گروتسک بدل شود. مردی بدنبال جمع‌کردن اطلاعاتی از گذشتهٔ احتمالاً شرم‌آور یک زن است درحالی‌که چنین شمایل ننگینی را همیشه در خانه و در کنار خود دارد!

شابرول در مقام یک فن‌سالار

بی‌مقدمه برویم سر اصل مطلب و با فیلم «پسرعموها»(۱۹۵۹) شروع کنیم. فیلمی که شابرول در آن بشدت از «کودکان وحشتناک» ساختهٔ ژان پیر ملویل (با فیلم‌نامه‌ای از ژان کوکتو) تأثیرپذیرفته است. «پسرعموها» شاید هولناک‌ترین و بی‌رحم‌ترین اثر شابرول باشد؛ اما این تلخی و سیاهی صرفاً به داستان کوبندهٔ فیلم برنمی‌گردد بلکه تمهید فنی اعجاب‌برانگیز شابرول است که بنیان‌های تنگناهراسانهٔ فیلم را قوام می‌بخشد. شابرول در این فیلم به‌شکل غیرمنتظره‌ای از عدسی واید (عدسی زاویه باز) بهره می‌گیرد تا اشیاء و فضایی که کارکنترها در آن قرار می‌گیرند را از شکل بیاندازد. او با این‌کار از فضاهای تجسمی داخلی آشنایی‌زدایی کرده و خطوط چارچوب‌ها را درهم می‌شکند.



شاپرول در مقام سینمایی‌نویس

شاید بخش زیادی از انتساب القاب هیچکاکِ به کلود شاپرول - جدای از تأثیرپذیری حقیقی او - به کتابی که او به‌همراه دوست و همکارش، اریک رومر، در رابطه با سینمای هیچکاک نوشته‌اند، بازمی‌گردد. کتابی با عنوان «هیچکاک: چهل‌وچهار فیلم اول». شاپرول و رومر در این کتاب به تحلیل مضمونی و سبکی آثار هیچکاک می‌پردازند و چهار درونمایۀ کلی را برای سینمای او در نظر می‌گیرند:

۱- تأثیر مذهب کاتولیک.

۲- اعتراف و احساس گناه مشترک.

۳- هوموفوبیا (ترس از نفرت از هم‌جنس‌گرایی).

۴- یسوعینی (زن‌ستیزی).

آن‌ها همچنین در این کتاب تأکید ویژه‌ای بر کلیدواژهٔ «فرم» و اهمیت آن در سینمای هیچکاک دارند. آن‌ها معتقدند که هیچکاک یکی از بزرگترین فرم‌پردازان سراسر تاریخ سینماست. شاپرول و رومر اذعان دارند که در بحث فرم شاید فقط مورناثو و آیزنشتاین بتوانند با هیچکاک برابری کنند. در کتاب دوبرستی اشاره می‌شود که در آثار هیچکاک فرم زینت‌بخش محتوا نیست، بلکه سازندهٔ آن است. به‌هرروی، تأثیر هیچکاک بر روی شاپرول غیرقابل‌انکار است و با توجه به کارنامهٔ دو نویسندهٔ این کتاب، می‌توان به‌روشنی فهمید که این کتاب با دل‌بستگی بیشتر کدامیک از آن‌ها به رشتهٔ تحریر درآمده است. از آثار شاپرول می‌توان بسیاری نام برد که چه در تکنیک و چه در گزینش مضمون، سایۀ هیچکاک را بر سر خود حس می‌کنند. سکانس غرق‌کردن جنازه در «زن بی‌وفا»(۱۹۶۹) ادای دینی‌ست به سکانی غرق‌کردن ماشین توسط نورمن بیتس در «روانی»(۱۹۶۰) هیچکاک. دو دادن داستان و افشاسازی در میانهٔ فیلم یک موضع کاملاً هیچکاکِی است که شاپرول در فیلم «بی‌گناهان با داستانی آلوده» (۱۹۷۵) اتخاذ می‌کند.

شاپرول در کایه دو سینما هم پرشور بود. مقالهٔ مهم «تکامل فیلم جنایی» که در سال ۱۹۵۵ در مجله منتشر شد خبر از جریانی تازه از فیلم‌هایی در ژانر جنایی و نوآر می‌داد. او در این مقاله از مفاهیم تازه‌ای مثل رپورتاژ در تریلرهای مستندگونهٔ پس از جنگ که کمپانی فاکس قرن بیستم می‌ساخت، سخن به میان آورد. او از این گفت که در سطح شخصیت‌هاست که جایجایی رخ می‌دهد. او از مؤلفی چون اِئو پرمینجر نام برد که شخصیت‌ها را به طغیان ناگريشان وامی‌دارد و بدین‌سان شخصیت‌هایی خلق می‌کند که ذاتاً مسحورکننده‌اند. او از دو جنبۀ عنصر جنایت در فیلم‌ها گفت: یکی وجه هستی‌شناختی که فیلم‌سازیِ چون نیکلاس ری، جوزف لوزی و ژول داسین را دربرمی‌گرفت و دیگری وجه متافیزیکی بود که شامل ارسن ولز، فریتز لانگ و آلفرد هیچکاک می‌شد.

شاپرول در مقالهٔ موجز و درعین‌حال تحسین‌برانگیزی که در سال ۱۹۵۹ برای کایه دو سینما می‌نویسد موضوع مهمی را مطرح می‌کند که تا امروز - و بشک فردا - موضوعیت دارد. عنوان مقاله روشن‌گر است و به تنهایی چکیده‌ای برای کل مطلب: «موضوع‌های کوچک، موضوع‌های بزرگ». او در این مقاله اشاره می‌کند که چیزی به‌عنوان موضوع بزرگ و کوچک وجود ندارد و این پرداخت است که اهمیت دارد؛ چرا که هرچه موضوعی کوچکتر باشد به همان میزان می‌توان به آن پرداخت بزرگتر و بهتری داد. او در میانهٔ مطلبش مثال جالبی را مطرح می‌کند که خبر از بینش بالای سینمایی او دارد: «دو برگ کاغذ را با یکدیگر مقایسه می‌کنم. آن را به اطرافیان خود می‌دهم تا بخوانند و به تهیه‌کننده‌ها پیشنهاد می‌دهم. بیشک آپوکالیپس عصر ما، موضوع بزرگی است و نزاع همسایه‌ها، موضوعی مبتذل و بی‌اهمیت. من آپوکالیپس عصر ما را همانگونه که آن را می‌فهمم فیلم می‌کنم و در نتیجه بدترین مهمل دهه می‌شود. همه شگفت‌زده می‌شوند و

دنیای سوادار

دست‌به‌نقد



بیشتر از همه، من. با وجود این بعضی‌ها فریب‌خورده گفتند: فیلم شاید بی‌نقص نباشد، اما موضوع آنقدر بزرگ است که هیچ‌کس نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت بماند. آن‌ها معتقدند آپوکالیپس عصر ما بیشتر از یک عنوان و موضوع جالب است. اما من با اینکه آدمی کندذهن هستم به کیفیت یک فیلم حساس توجه دارم. می‌دانم که این اثر زندگی من، چیز ناچیزی است. (شاپرول، ۱۳۹۷، ۲۲)

مؤخره

با مروری بر نوشته‌های شاپرول و مقایسه‌شان با آنچه او

اوسمار و رؤیای قهرمانی دوباره با پرسپولیس؛ جایی برای بهانه‌جویی نیست

شد و پس از جدایی گل‌محمدی از این تیم، ویرا سرمربی سرخپوشان شد و در حالی که کمترکسی توقع داشت که این مربی بتواند عملکرد موفق‌آمیزی به عنوان سرمربی داشته باشد اما او با شناختی که از ساختار باشگاه، بازیکنان و فضای فوتبال ایران داشت توانست پرسپولیس را قهرمان لیگ برتر کند.

اما فصل جاری لیگ‌برتر یکی از فشرده‌ترین و غیرقابل‌پیش‌بینی‌ترین فصل‌هاست. فاصله امتیازی تیم‌های بالای جدول به‌شدت کم شده و هیچ تیمی را از حالا نمی‌توان مدعی نخست قهرمانی قلمداد کرد. عجیب اینکه در حال حاضر و پس از گذشت ۸ هفته از لیگ برتر، آلومینیوم اراک با ۱۳ امتیاز در صدر جدول قرار دارد و فاصله این تیم با تیم دهم تنها ۳ امتیاز است. این مسئله می‌تواند شانس بزرگی هم برای پرسپولیس و اوسمار باشد؛ چرا که به واسطه فاصله کم پرسپولیس با صدر جدول، این تیم به کسب چند برد می‌تواند یکی از مدعیان قهرمانی لیگ قلمداد شود.

اوسمار به فوتبال مالکانه و مبتنی بر پاس‌های

کوتاه و گردش سریع توپ علاقه زیادی دارد. پرسپولیسی‌ها به جز در خط حمله در سایر پست‌ها با کمبود بازیکن روبرو نیستند و همین مسئله می‌تواند اوسمار را در ارائه فوتبال مالکانه یاری دهد. این مربی خاطرات جذابی با پرسپولیس دارد و قهرمانی با این تیم باعث شد که بتواند خودش را به عنوان یک مربی بین‌المللی نشان دهد؛ اما اینکه در میانه فصل هدایت سرخپوشان را بر عهده گرفته می‌تواند بهانه‌ای برای ناکامی‌های احتمالی این تیم باشد.

باید امیدوار بود مدیران پرسپولیس پیش از عقد قرارداد در این خصوص با اوسمار اتمام حجت کرده باشند تا او نتواند از این حربه در مواقع ناکامی تیمش استفاده کند. اوسمار در نخستین بازی‌ای که در فصل جاری هدایت پرسپولیس را بر عهده خواهد گرفت باید به مصاف تیم قدرتمند تراکتور برود؛ دیداری سخت که می‌تواند برای سرخپوشان حیاتی باشد و باید دید اوسمار می‌تواند مهمترین سورپرایز این بازی جذاب باشد یا خیر.

تکرار قهرمانی با پرسپولیس مهمترین رویای اوسمار

سرخ‌ها



در این تیم خواهد بود. رویایی که باعث شد مرد برزیلی بار دیگر به فوتبال ایران بیاید و هدایت تیم سابقش را بر عهده بگیرد.

میراث

دست دشمن افتاده است.

به این ترتیب در چهارم آبان ۱۳۵۹، تلاش شبانه‌روزی جوانان و پاسداران خرمشهر، ارتشیان و دیگر رزمندگان که برای ادای تکلیف به این مشهد آمده بودند، به پایان می‌رسد و بازماندگان این حماسه عظیم می‌روند تا مشهدی دیگر بیابند و کسب آمادگی کنند تا خونین‌شهر را از چنگال دشمن‌رهایی بخشند و منتظر قضای الهی شوند تا در کدام میدان به انجام دادن وظیفه بپردازند. درود بر آنان که از جان خود مقاوم‌ترین سپر و سلاح را در برابر دشمن ساختند و به بهانه کمبود سازوبرگ، میدان را خالی نکردند.

منابع:

- مهدی انصاری، حسین یکتا، هجوم سراسری: روزشمار جنگ ایران و عراق (کتاب چهارم)، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ دوم، ۱۳۷۵، صفحه ۵۶۵
- خرمشهر در جنگ طولانی، جمعی از نویسندگان، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ چهارم صفحات ۴۶۴، ۴۶۸

آگهی‌فقدان سند مالکیت

خانم ساناز زمانی نژاد به شماره ملی ۰۳۲۱۷۲۲۸۶۳ برابر و وکالتنامه شماره ۹۴۰۲۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۶ دفتر ۴۵ کرج از طرف مالک آقای علی اکبر زمانی نژاد به شماره ملی ۴۸۹۹۲۷۸۰۱۲ ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین واقع در قطعه ۵۸۸ شماره پلاک ۲۵۹ فرعی از ۱۷۰ اصلی بمساحت ۱۰۰۰ مترمربع واقع در اراضی حوزه ثبتی بنام متقاضی ثبت و سند بشاره چاپی ۶۱۹۳۰۱ و دفتر الکترونیکی ۱۴۰۲۲۰۳۳۱۰۱۰۰۵۷۰۰ صادر و تسلیم شد که سند مالکیت بعلت سهل انگاری مفقود گردیده است لذا تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد.
۲۰۲۳۴۱۱

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج

فرهنگ

شبکهٔ خانگی

دربارهٔ «بامداد خمار»؛

زبانِ زمانِ زنانه

سیداصغر نوربخش

سریال بامداد خمار درباره عشق است؛ عشق در جامعه ای که تحت تأثیر جنگ به حیات خود ادامه می دهد و هرچند این عشق از جنس نگاه سرمایه دارانه است و با جنس عشق تاریخی، فرسنگ ها فاصله دارد.

بامداد خمار به کارگردانی نرگس آبیار از جمله سریال هایی است که اینروزها از شبکه نمایش خانگی در حال پخش است.

هربرت مارکوزه یکی از اندیشمندانی نئومارکسیست یا همان مکتب فرانکفورت، می گوید: «عشق، نیرویی است علیه نظم سرکوبگر سرمایه داری؛ چون مبتنی بر همدلی، اتحاد و آزادی است.» فردریش انگلس؛ همکار کار مارکس هم قبل تر گفته بود: «شکل عشق و ازدواج تابع شکل مالکیت در جامعه است.» گر چه همگان می دانند که کمونیسم و مارکسیسم، مکتابی شکست خورده و هزینه زا برای بشریت بوده اند، اما نمی توان نکته هایی که انگلس و مارکوزه درباره عشق گفته اند را نادیده گرفت. این نکته ها زمانی که ما سریال جدید «بامداد خمار» ساخته نرگس آبیار را می بینیم، بیشتر حساس مان می کند.

ماجرای «بامداد خمار» درباره عشق است. عشق یک دختر از طبق بالای جامعه نسبت به یک جوان کارگر و پایین دست. جالب آنکه عمه دختر هم سال ها پیش، چنین تجربه ای داشته و اینک این دو در کنار هم قرار می گیرند و این رو در رویی، عامل حرکت و پیش برنده داستان است. زن کهنسال، در کارزار عشق اش، احتمالا شکست خورده است چرا که واکنش اش نسبت به احساس دختر، ترس و تاسف است.

بنیانه سریال از همان ابتدای فیلم صادر شده است. مادر دختر بدون پذیرش پسر برای آمدن به خواستگاری، با این امر مخالف است، و اختلاف طبقاتی را علت این مخالفت می داند. عمه هم از تجربه عشق خود نسبت به پسر طبقه کارگر احساس رنج را به دختر منتقل می کند. بنابراین قرار است ما با عشقی ناکام میان دختری از طبقه مرفه و پسری فرودست مواجه باشیم. هر چند که این سریال، اقتباسی از داستانی به همین نام نوشته فتحاح حاج سیدجوادی است و ما که آن را خوانده ایم می دانیم که قرار است چه اتفاقاتی بیفتد و سرنوشت شخصیت های سریال، چه خواهد شد. با این حال، کار نوشتن فیلمنامه سریال به حسین کیانی سپرده شده است که می تواند بهترین انتخاب باشد. کیانی، سال ها در تئاتر کار کرده و آثارش هم در همین حال و هوای زمانی و محتوایی می گذرد. او به آن زمانه، کاملاً مسلط است و حرف های زیادی برای گفتن دارد.

سریال، در بین دو دوره اواخر قاجار و اوایل جمهوری اسلامی می گذرد. هر دو جامعه، تحت تأثیر شرایط جنگ هستند؛ جنگ جهانی اول و جنگ تحمیلی هشت ساله. وضعیت مشترک خانواده «خان سالار»، این است که در هر دو دوره هم، تحت تأثیر مشکلات اقتصاد و اجتماعی جنگ قرار ندارند و وضع مالی مناسبی نسبت به عموم جامعه دارند.

نوع مواجهه خانواده با عشق، از جنس نگاه سرمایه دارانه است و با جنس عشق تاریخی، فرسنگ ها فاصله دارد. عشق شیرین و فرهاد یا لیلی مجنون، در فرهنگ ایرانی، فارغ از طبقه است و ناکامی عشق، بیشتر به دلیل شرم و حیا یا ایثار و از خودگذشتگی بیش از اندازه مربوط می شود. حتی در نگاه فرهنگ غرب نیز، مثلاً شاهزاده و گدا یا سیندرلا، آثاری هستند که از طبقات اجتماعی عبور می کنند و حس عشق را ورای هر طبقه و وضعیت اجتماعی می دانند که می تواند پیروز شود و به ثمر برسد. اما در بامداد خمار، آشکار شاهد تصور نگاه و فرهنگ نسبت به مقوله هستیم. ضمن اینکه در دوره دوم زمانی قصه، تفکرات فمینیستی و فردگرایانه هم به اندیشه های چپ و مارکسیستی اضافه شده و داستان را پرقرار و نشیب تر و پیچیده تر خواهد کرد.

یولیا کریستو یا فیلسوف بلغارستانی، درباره مشکلاتی که زنان در ساختار مردسالارانه دارند، می گوید که ایشان دچار تکرار چرخه نمادین هستند و در زمان زنانه گرفتارند. در بامداد خمار هم ما این چرخه را شاهد هستیم. تجربه شکست عشق، دوباره تکرار می و عدم موفقیت عشق طبقاتی تبدیل به یک اصل می شود. اما آنچه که در بامداد خمار، قابل اعتناست، انتخاب فرم و طراحی آن است. سازنده اثر، برخلاف تلخی و اکسپرسیونی که در محتوا وجود دارد، از نور و رنگ، بهره های زیبایی شناسانه می گیرد و اثر را برای مخاطب قابل تحمل و جذاب تر می کند. آبیار، به عنوان یک فیلمساز زن، شأن زنانه را در میدان عشق، به درستی رعایت کرده است و به دور از ژست های شبه روشنفکری، حقیقت وجودی زن را از دل محتوای قصه، بیرون می کشد و از جایگاه جنسیت خود دفاع می کند. در بامداد خمار، زنان، ذاتاً زیبا هستند. پر از شور زندگی اند. زنگای دارند و مالکیت خود را بر حیطه زندگی شان، حفظ کرده اند. دوست داشتن را بلدند. زیبایی را می فهمند و مادرانگی را هم از بر هستند. معماری داخلی و خارجی صحنه هانیز، صاحب اصالت است و حال مخاطب را خوش می کند.

از این رو، تقابل نویسنده و کارگردان برای نشان دادن اندیشه هایشان و چیره شدن بر ذهن و قلب مخاطب، در این سریال، دیدنی و جذاب خواهد بود. باید ببینیم در قسمت های بعدی، کیانی چقدر به قصه حاج سیدجوادی وفادار می ماند. شاید نویسنده فیلمنامه، مسیر دیگری از نویسنده رمان، در پیش بگیرد و ما را از شگفتانه ای دیگر روبرو کند. نکته مهم دیگری که لازم است درباره اش بگویم این است که زمانه ای که مخاطب این اثر را مشاهده می کند، می تواند حلقه سوم این «زمان زمانه» باشد و شاید هم تاریخ، دیگر تکرار نمی شود و در زمانه حاضر، این تجربه ها به خاطره یا افسانه تبدیل شده باشند. این را باید جامعه شناسان و پژوهشگران اجتماعی بگویند. به همین خاطر، سریال «بامداد خمار» را از جهت فراتر از یک اثر سرگرمی یا هنری صرف، قلمداد کرد یا آن را اثری مرکب از هر دو و البته، در حین حال به وجود آورنده نگاهی تازه، دانست.



تصویر قهرمانی و واقعیت زیسته پرستاران کمتر شود. این فاصله با کلمات پر زرق‌وبرق پر نمی‌شود. سیاست‌های دقیق، بودجه‌های قابل انکا، جذب نیرو به تناسب تخت‌های بیمارستانی، ایجاد فرصت‌های ارتقای حرفه‌ای و مشارکت دادن پرستاران در تصمیم‌سازی، ابزارهایی هستند که می‌توانند این شکاف را کم کنند. جامعه‌ای که خواهان خدمات درمانی انسانی و باکیفیت است، باید بداند که این خدمات نتیجه تصمیم‌های درست درباره پرستاران است.

اکنون باید پرسید: اگر پرستاران از دست بروند چه چیزی باقی می‌ماند؟بیمارستان‌ها ساختمان‌هایی خاموش خواهند بود. تخت‌ها، هرقدر هم مجهز، بدون دستانی که بتوانند رنج را لمس کنند، معنا نخواهند داشت. پرستاران شریان‌های جاری نظام سلامتاند. هنگامی که این شریان‌ها ضعیف شوند، قلب جامعه نیز دچار اختلال می‌شود. تصمیم‌گیران اگر آینده‌ای پایدار می‌خواهند باید همین امروز اقدام کنند.

نه فردا، نه پس از یک بحران تازه، همین اکنون. پرستاران هر روز برای زندگی مردم می‌جنگند. کمترین حق آنان این است که نظام سلامت نیز برای زندگی و آرامش آنان بجنگد. احترام واقعی، با عده‌های روی فیش حقوقی، با حجم نیروی کمکی در شیفت شب، با امنیت شغلی در روزهای تردید سنجیده می‌شود. پیام‌های تبریک زیبا هستند، اما کافی نیستند. چون پرستاران ستون‌اند و هیچ سقفی روی ستون‌های ترک‌خورده ایمن نمی‌ماند. اگر دغدغه سلامت مردم جدی است، حمایت از پرستاران باید جدی‌تر باشد. این حقیقت ساده است: مراقبت از مراقبت‌کنندگان، اولین شرط مراقبت از جامعه است.

«دنیای هوادار» از بحران پنهان در خط مقدم سلامت گزارش می‌دهد؛

حمایت از پرستاران، شرط نخست امنیت سلامت جامعه

فاصلهٔ میان قهرمانی و واقعیت

در نظام سلامت هر کشور، پرستاران فراتر از اینکه مجریان درمان‌اند، ستون‌های پایداری اجتماعی نیز بشمار می‌روند. هر بحران که فرا می‌رسد، لرزش آن نخست بر شانه‌های این گروه فرود می‌آید. پیام‌های رسمی همیشه تصویری پرشکوه از حضور آنان ترسیم می‌کنند. واقعیت محیط کار اما گاه روایتی متفاوت دارد. بسیاری از پرستاران می‌گویند که جامعه تنها در لحظات اضطرار به یادشان می‌افتد. پس از فروکش بحران‌ها، دوباره سکوتی سنگین بر نیازهای آنان سایه می‌اندازد.

نظام سلامت کشور طی سال‌های اخیر با کمبود شدید نیروی پرستار مواجه بوده است. استانداردهای جهانی نسبت پرستار به تخت بیمارستان را شاخصی کلیدی برای ایمنی بیمار می‌دانند. گزارش‌های رسمی در ایران نشان می‌دهد که این نسبت با استاندارد مطلوب فاصله‌ای قابل توجه دارد. وقتی تعداد نیرو کم باشد، ساعت کاری افزایش می‌یابد. وقتی ساعات کاری بالا باشد، فرسودگی شغلی شدت می‌گیرد. این چرخه معیوب در نهایت موجب خطاهای درمانی، کاهش کیفیت خدمات و بی‌اعتمادی بیماران می‌شود. سلامت عمومی یک زنجیره است. هر حلقه ضعیف شود کل زنجیره آسیب می‌بیند. تعریف‌گذاری خدمات پرستاری که سال‌ها مطالبه اصلی صنف بوده، هنوز در برخی بخش‌ها به شکل کامل اجرا نشده است. پرستارانی که بار عمده مراقبت را بر دوش می‌کشند، همواره با شکاف شیان مسئولیت و پاداش مواجه‌اند. زمانی که سیاست‌گذاران می‌گویند پرستاران شایسته احترام‌اند، این جمله زمانی معنا پیدا می‌کند که ترجمه مادی و ساختاری داشته باشد. حقوق و مزایا، امنیت شغلی، امکان ارتقای حرفه‌ای و محیط کار عادلانه است که احترام را واقعی می‌سازد. از سوی دیگر، مهاجرت نیروی پرستاری رو به افزایش است. بسیاری از پرستاران ماهر که سال‌ها در دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها کشور تربیت شده‌اند، برای رسیدن به شرایط بهتر به خارج از کشور می‌روند. این مهاجرت‌ها تنها خروج یک فرد از کشور نیست. خروج تجربه است. خروج دانش است. خروج بخشی از حافظه عملی نظام سلامت است. وقتی این حافظه از دست برود، بازگشت آن بسیار دشوار خواهد بود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –ساوجبلاغ (نوبت دوم)

برابررای شماره ۱۴۰۵۴۳۱۰۱۲۰۴۳۱۰۳۳۱۰۲۰ مورخ ۳ شهریورماه ۱۴۰۴ موضوع پرونده کلاسه ۱۷۸۷/۱۳۱۰۳۳۱۰۴۳۱۰۴۰۴۱۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای هادی علاقبندر فرزند محید به شماره ملی ۰۷۹۵۴۱۲۸۳۰ نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۱۰۰ مترمربع از پلاک ۱۷۹ اصلی موسوم به قوهه جزء حوزه ثبتی شهرستان ساوجبلاغ و از مالکیت حسن سودا گری برابر سند ۶۲۷۴۵ مورخ ۱۰ مهرماه ۷۲ دخترخانه ۹ کرج ذیل صفحه ۳۰۱ دفتر جلد۱۸۶ از قطعه اول و دوم تفکیکی پلاک شماره ۱۴۴ و ۱۴۵ فرعی از ۱۷۹ اصلی واقع در اراضی قوهه جزء حوزه ثبتی ساوجبلاغ استان البرز تائید و رای هیئت صادر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتواننند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۹۹۵۷ تاریخ انتشار نوبت اول: ۲۰ مهر ۱۴۰۴

بشیر نعیم‌زاده -رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –کرج (نوبت اول)

برابررای شماره ۰۳۸۷۱/۰۵۷۰۰۳۳۱۰۴۰۴۰۴۰۴۰۴ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خاتم فروش دانشفر فرزند نادر بشماره شناسنامه ۴۵۲۲ صادره از مسجد سلیمان در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۸۵۰ مترمربع از پلاک ۹۶۷۷ فرعی از ۹ اصلی واقع در کرج، ماهدشت، خیابان ارس جنب پلاک ۱۴ خریداری از مالک رسمی آقای خاتم فروش دانشفر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۳۰۴۰۵۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۲ آبان ۱۴۰۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابررای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۲۰۴۰۴۵۹ مورخ ۱۵/۰۷/۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی همت یار به شناسنامه شماره ۱۸۵۳ کد ملی ۴۸۹۸۲۷۶۸۶۵ فرزند اکبر نسبت به ششدانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۲۱۴۹.۳۱ متر مربع از مالکیت احمد انتظارپوین باقیمانده پلاک ۳۲۰ اصلی واقع در ولیان حوزه ثبت ساوجبلاغ را با توجه به نامه شماره ۲۴۷۳۵/۰۴/۲۱/۲۰ مورخه ۰۷/۱۴/۱۴۰۴ اداره جهاد کشاورزی ساوجبلاغ که اعلام نموده صدور سند ششدانگ به صورت عرصه و اعیان بدون درج ساختمان با ذکر عبارت کاربری اراضی موضوع این سند کشاورزی (زراعی) بوده و هر گونه تغییر کاربری و نقل و انتقال آن بدون مجوز جهاد ممنوع و تنظیم سند اعمال حقوقی موضوع ماده ۱ قانون و همچنین اعمال حقوقی بصورت مشاع در اراضی کشاورزی تنها با رعایت بندهای ۴ گانه ذیل تبصره ۹ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول ممکن میباشد و تأیید و صادر گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتواننند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند بدیهی است در صورت انتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد . توسط شعبه بایگانی جهت مورد ثبت پلاک ۱۹۷۱ فرعی از ۳۲۰ اصلی منظور گردیده است. شناسه آگهی : ۲۰۳۳۲۸۵ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۲۰/ ۰۸/ ۱۴۰۴ اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –کرج (نوبت اول)

برابر برای شماره ۰۳۸۷۱/۰۵۷۰۰۳۳۱۰۴۰۴۰۴۰۴ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای آرمان شهبازین فرزند امیرقلی بشماره شناسنامه ۳۳۳ صادره از کنگاور درسه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۸۵۰ مترمربع از پلاک ۹۶۷۷ فرعی از ۹ اصلی واقع در کرج ماهدشت، خیابان ارس، جنب پلاک ۱۴ خریداری از مالک رسمی آقای امان شهبازین محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۳۰۴۰۷۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۰ آبان ۱۴۰۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابررای شماره۱۴۰۵۴۳۱۰۱۲۰۴۴۰۳۳۱۰۴۰۴۰۴۰۴ مورخ۱۵ مهرماه ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی همت یار به شناسنامه شماره ۱۸۵۳ کد ملی ۴۸۹۸۲۷۶۸۶۵ فرزند اکبر نسبت به ششدانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۸۵۱.۵۱ متر مربع از مالکیت احمد انتظارپوین باقیمانده پلاک ۳۲۰ اصلی واقع در ولیان حوزه ثبت ساوجبلاغ را با توجه به نامه جهاد ساوجبلاغ به شماره ۲۴۸۲۸/۰۴/۲۱/۲۰ مورخه ۰۷/۱۴/۱۴۰۴ که اعلام نموده صدور سند ششدانگ به صورت عرصه و اعیان بدون درج ساختمان با ذکر عبارت کاربری اراضی موضوع این سند کشاورزی (زراعی) بوده و هر گونه تغییر کاربری و نقل و انتقال آن بدون مجوز جهاد ممنوع و تنظیم سند اعمال حقوقی موضوع ماده ۱ قانون و همچنین اعمال حقوقی بصورت مشاع در اراضی کشاورزی تنها با رعایت بندهای ۴ گانه ذیل تبصره ۹ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول ممکن میباشد را تأیید و صادر گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتواننند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند بدیهی است در صورت انتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. توسط شعبه بایگانی جهت مورد ثبت پلاک ۱۹۷۱ فرعی از ۳۲۰ اصلی منظور گردیده است. شناسه آگهی : ۲۰۳۳۲۸۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۰ آبان ۱۴۰۴ بشیر نعیم‌زاده - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۲۰۴۰۴۵۱ مورخ ۱۵ مهرماه ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی اخوندان به شناسنامه شماره۴ کد ملی ۴۵۱۹۲۸۰۴۲۲ فرزند جلال نسبت به ششدانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۱۱۷۱ مترمربع از مالکیت علی قبه مهاجر پلاک ۳۲۰ اصلی واقع در ولیان حوزه ثبت ساوجبلاغ را با توجه به نامه جهاد ساوجبلاغ به شماره ۲۴۸۲۸/۰۴/۲۱/۲۰ مورخه ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴ که اعلام نموده صدور سند ششدانگ به صورت عرصه و اعیان بدون درج ساختمان با ذکر عبارت کاربری اراضی موضوع این سند کشاورزی (زراعی) بوده و هر گونه تغییر کاربری و نقل و انتقال آن بدون مجوز جهاد ممنوع و تنظیم سند اعمال حقوقی موضوع ماده ۱ قانون و همچنین اعمال حقوقی بصورت مشاع در اراضی کشاورزی تنها با رعایت بندهای ۴ گانه ذیل تبصره ۹ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول ممکن می باشد را تأیید و صادر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم و پس از اخذر سید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت بهتقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. توسط شعبه بایگانی جهت مورد ثبت پلاک ۱۹۷۵ فرعی از ۳۲۰ اصلی منظور گردیده است. ۲۰۳۳۲۹۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۰ آبان ۱۴۰۴

بشیر نعیم زاده - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابررای شماره۱۴۰۵۴۳۱۰۱۲۰۴۰۴۵۱ مورخ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی همت یار به شناسنامه شماره ۱۸۵۳ کد ملی ۴۸۹۸۲۷۶۸۶۵ فرزند اکبر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۴۷۷.۸۹ متر مربع از مالکیت سید عظیم حسینی برابر سند ۷۱۶۶۷ مورخ ۷ مردادماه ۱۳۵۳دخترخانه ۱۷ تهران باقیمانده پلاک ۳۳۳ اصلی واقع در شنده حوزه ثبت ساوجبلاغ را با توجه به نامه شماره ۲۴۸۰۰/۰۴/ ۲۱/ ۲۰ مورخ ۰۷/ ۱۴۰۴ اداره جهاد کشاورزی ساوجبلاغ که اعلام نموده صدور سند ششدانگ به صورت عرصه و اعیان بدون درج ساختمان) با ذکر عبارت کاربری اراضی موضوع این سند کشاورزی بوده و هر گونه تغییر کاربری و نقل و انتقال آن بدون مجوز مدیریت جهاد کشاورزی ممنوع میباشد تأیید و صادر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذرسید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دالگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی در صورت انتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. توسط شعبه بایگانی جهت مورد ثبت پلاک ۷۰۸ فرعی از ۳۳۳ اصلی منظور گردیده است. ۲۰۳۳۱۳۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۰ آبان ۱۴۰۴

بشیر نعیم‌زاده -رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

«دنیای هوادار» از وضعیت مدعیان لیگ برتر ایران گزارش می‌دهد؛

روزهای سرنوشت

ایران در دهه اخیر محسوب می‌شد، حالا برای بازگشت به شرایط پایدار با مشکلات عیدیه‌ای دست و پنجه نرم می‌کند. هرچند بُرد دو بر صفر شاگردان هاشمیان در دیدار با ذوب‌آهن که در یک نیمه حاکم پلامنازع این دیدار بود، اندکی التهاب روی سکوها را کاهش داد اما اخبار منتشره بعد از این اتفاق خبر از عمق فاجعه‌ای می‌دهد که اگر مهار نگردد، به طور کامل فصل را از پرسپولیس خواهد گرفت. در حالی که بنا بر نقل و قول پیمان حدادی، رئیس هیأت مدیره پرسپولیس حضور سرمربی برزیلی در پرسپولیس تمام شده و او به زودی به تهران سفر خواهد کرد، اما تغییرات هاشمیان در ترکیب خود و نظم آنان در طول نود دقیقه که تمام حملات خطرناک شاگردان قاسم حدادی‌فر را خنثی کرده بود، این موضوع را به ذهن متبادر می‌کند که باشگاه پرسپولیس و هوادانش در هفته‌های نخست دچار اشتباه شده و وحید هاشمیان در بازه زمانی نه چندان بلند مدت قادر بود پرسپولیس را به جاده قهرمانی بازگرداند. از طرفی سرمربی جوان قرمزپوشان پایتخت صبح شنبه با دستیارانش در استادیوم شهید کاظمی حاضر شد و با انگیزه‌ای بالا تمرین ریکاورِ سرخیوشان را زیرنظر گرفت تا نشان دهد قصد عقب نشینی از مواضع خود را ندارد. نکته جالب پیرامون انتخاب سرمربی جدید برای پرسپولیس اینکه در وبسایت باشگاه پرسپولیس هم خبری مبنی بر قطع

همکاری با هاشمیان وجود ندارد و این سرمربی پس از پیروزی مقابل ذوب آهن از سوی هواداران تشویق شد تا این گمانه که احتمال انقای وی وجود دارد، در بین هواداران رزمه گردد؛ اما حدادی روش جالبی را برای حل مشکل انتخاب کرده است؛ او به نوعی از هاشمیان بابت حضور چند هفته‌ای اش در پرسپولیس تشکر ویژه‌ای کرده و در عین حال، با عدم اعلام موضوع قطع همکاری، مذاکره با اوسمار را طوری پیش برده که او فکر نکند تنها گزینه پرسپولیس است.

جشنواره گل؟ تراکتور عادت دارد!

تی‌تی‌ها بعد از شارجه، گل‌گهر را نیز پنج گله کردند تا نشان دهند در بهترین فرم خود قرار دارند. آنان اندک اندک به برپایی جشنواره گل عادت کرده و این موضوع بدان معناست که حریفان آینده آنان با تیمی بی‌رحم و خطرناک روبرو خواهند شد. در این بین باید به امیرحسین حسین زاده مهاجم اول این روزهای فوتبال ایران نیز اشاره کنیم که در دو ماه اخیر نزدیک به ده گل باشگاهی و ملی به ثمر رسانده و نوید یک مهاجم شش‌دانگ را به فوتبال کشور داده است. اما آن طرف قضایا نیز قابل توجه است؛ آنچه مسلم است اینکه حریفان آینده تراکتور به خصوص پرسپولیس حرف هفته نهم این تیم با تدارک ویژه‌ای به مضاف این تیم خواهند رفت و اسکوچیچ باید تیمش را به لحاظ حفظ انگیزه و بیرون آوردن از غرور کاذب، آماده نماید.

یحیی در بن‌بست

فوتبال به هیچ مربی و بازیکنی رحم نمی‌کند. از آن روزی که یحیی گل محمدی فاتحانه فولاد خوزستان را از تیمی درحال سقوط به تیمی مدعی قهرمانی تبدیل کرد، زمان چندانی نمی‌گذرد، اما به نظر می‌رسد یحیی با فولاد به بن بست رسیده است. در دیدار فولاد خوزستان با شمس آذر قزوین اتفاق عجیب در فولادنا رخ داد و برای نخستین‌بار طی یک‌سال اخیر، هواداران علیه یحیی گل‌محمدی شعار سر دادند. گفتنی است؛



شاگردان یحیی گل‌محمدی در طول بازی چند فرصت گل‌زنی مسلم را از دست دادند و در روزی که تمرکز و دقت کافی در خط حمله را نداشتند، نتوانستند از موقعیت‌های خود بهره ببرند. در نهایت، فولاد با پذیرش این شکست خانگی، یکی از تلخ‌ترین روزهای فصل خود را پشت سر گذاشت؛ شکستی که به نظرمی‌رسد تنها از نظر فنی دردناک نبود، بلکه از نظر روحی و مدیریتی هم تبعات قابل توجهی برای باشگاه به همراه داشت.

تصمیم بزرگ ریکاردو

سرمربی پرتغالی استقلال آنگاه که فهمید نام‌های بزرگ قادر نیستند تداوم حضور او را در فوتبال ایران تضمین کنند، یک تصمیم بزرگ گرفت. تصمیمی که منجر به ظهور بازیکنان جوانی چون امیرمحمد زراق‌نیا و اسماعیل قلی‌زاده شد. همین راستا باید گفت؛ خروج روزبه چشمی از لیست آبی‌پوشان با توجه به مصدومیت او و جابجایی صالح حمدانی و رامین رضاییان دو تغییر مهم ترکیب استقلال بود، کاپیتان‌های اول و دوم استقلال فرصتی برای بازی پیدا نکردند و خروج تیمشان از بحران را از روی سکو و نیمکت تماشا کردند. دیگر تغییر استقلال خروج جلالی از ترکیب و اضافه شدن گودرزی بود که این تغییر هم در فاز دفاعی کمک قابل توجهی به استقلال کرد.

کریمی غرامت می‌خواهد

علی کریمی از شرایط ایده‌ال خود دور شده و علاوه بر از خروج



ورزشی

خارج از گود



از لیست تیم ملی حالا در لیست مازاد باشگاه کایسری‌اسپور قرارگرفته است. ملی پوش سابق فوتبال ایران با فسخ یکطرفه این باشگاه مواجه شده و براساس گزارش خبرگزاری‌های ترکیه در صورت تأیید این فسخ از سوی فیفا، کایسری‌اسپور ممکن است ملزم به پرداخت حدود ۱٫۲ میلیون یورو بابت حقوق معوقه و یک میلیون یورو خسارت اضافی به کریمی شود. علاوه بر این، احتمال اعمال محرومیت انضباطی از سوی فیفا نیز مطرح است؛ موضوعی که می‌تواند باعث بسته شدن پنجره نقل‌وانتقالاتی باشگاه نیز بشود. آنچه مسلم است اینکه علی کریمی پانصد و پنجاه هزار یورو برای فصل اول و ششست و پنجاه هزار یورو برای فصل دوم با کایسری قرارداد دارد، اما فسخ یکطرفه این حق را به وجود آورده که او درخواست غرامت بیشتری را بنماید.

منهای فوتبال ایران

تیم ملی آرژانتین در بی‌سابقه‌ترین وضعیت خود قرار دارد. این کشور پس از لغو دیدار با هند همچنان نتوانسته است حرفی برای فیفاذای آینده پیدا کند. گفتنی است؛ با نزدیک شدن به جام جهانی ۲۰۲۶ و صعود قطعی آرژانتین، تمرکز کادرفنی روی کیفیت تمرین‌ها و هماهنگی نهایی است. طبق مقررات فیفا، هیچ تیم ملی نمی‌تواند در یک پنجره بین‌المللی در دو قاره مختلف بازی کند. به همین دلیل، آرژانتین فقط یک دیدار دوستانه مقابل آنگولا برگزار می‌کند و از سفر به آسیا صرف‌نظر کرده است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –ساجبلاغ (نوبت اول) برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۲۰۹۴۲ مورخ ۲۲ مهرماه ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جعفر نصیری به شناسنامه شماره ۷۷ کد ملی ۰۴۰۹۴۱۷۴۰۶۰۲ فرزند بابرامعلی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۱۴۵۷٫۶۳ مترمربع از مالکیت ۳۳۳۶ مورخ ۹ ربیع‌هشت ۱۳۳۳ دخترخانه ۳ کرج پلاک ۳۲۰ اصلی واقع در ولیان حوزه ثبت ساجوبلاغ را با توجه به نامه جهاد ساجوبلاغ به شماره۲۴۷۹۹/۰۴/ ۲۱/ ۲/ مورخ ۱۴/ ۰۷/ ۱۴۰۴ که اعلام نموده صدور سند شش‌دانگ به صورت عرصه و اعیان بدون درج ساختمان با ذکر عبارت کاربری اراضی موضوع این سند کشاورزی (باغ) بوده و هر گونه تغییر کاربری و نقل و انتقال آن بدون مجوز جهاد ممنوع و تنظیم سند اعمال حقوقی موضوع ماده ۱ قانون و همچنین اعمال حقوقی بصورت مشاع در اراضی کشاورزی تنها با رعایت بندهای ۴ گانه ذیل تبصره ۹ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول ممکن . باشد را تأیید و صادر گردیده است . لذا به می منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبارت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. توسط شعبه پایگانی جهت مورد ثبت پلاک ۱۹۷۳ فرعی از ۳۲۰ اصلی منظور گردیده است. ۲۰۳۳۲۳۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۰ آبان ۱۴۰۴ بشیر نعیم زاده - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساجوبلاغ
--

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –ساجبلاغ (نوبت اول) برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۲۰۹۴۲ مورخ ۱۵ مهرماه ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساجوبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی همت یار به شناسنامه شماره ۱۸۵۳ کد ملی ۴۸۹۸۲۷۶۸۶۵ فرزند اکبر نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۸۷۲٫۶۴ مترمربع از مالکیت احمد انتظاریون باقیمانده پلاک ۳۲۰ اصلی واقع در ولیان حوزه ثبت ساجوبلاغ را با توجه به نامه شماره ۲۴۸۱/۰۴/ ۲/ مورخ ۱۴/ ۰۷/ ۱۴۰۴ اداره جهاد ساجوبلاغ که اعلام نموده صدور سند شش‌دانگ به صورت عرصه و اعیان بدون درج ساختمان با ذکر عبارت کاربری اراضی موضوع این سند کشاورزی (زراعی) بوده و هر گونه تغییر کاربری و نقل و انتقال آن بدون مجوز جهاد ممنوع و تنظیم سند اعمال حقوقی موضوع ماده ۱ قانون و همچنین اعمال حقوقی بصورت مشاع در اراضی کشاورزی تنها با رعایت بندهای ۴ گانه ذیل تبصره ۹ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول ممکن میباشد را تأیید و صادر گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ سید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبارت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. توسط شعبه پایگانی جهت مورد ثبت پلاک ۱۹۶۹ فرعی از ۳۲۰ اصلی منظور گردیده است. ۲۰۳۳۲۳۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۰ آبان ۱۴۰۴ بشیر نعیم زاده – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساجوبلاغ
--

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –ساجبلاغ (نوبت اول) برابر آرای شماره های ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۲۰۹۵۳۹ مورخ ۱۶ مهرماه ۱۴۰۴ و ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۲۰۹۵۴۰ مورخ ۱۶ مهرماه ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساجوبلاغ تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضیان خانم هارنگس خوشبازان به شناسنامه شماره ۱۰۲۰ کد ملی ۵۴۴۳۳۱۷۵۴۴ فرزند جهان بخش و ندا خوشبازان به شناسنامه شماره ۷۸۲۱ کد ملی ۰۶۱۷۴۱۰۶۴۴۰۶ فرزند جهان بخش هر کدام نسبت به سه دنگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۱۰۱۴۱۲ متر مربع از مالکیت محمد خوشبازان برابر سند ۱۷۰۹ مورخ ۵ مهرماه ۱۳۳۴ دخترخانه ۳ کرج پلاک ۳۲۰ اصلی واقع در ولیان حوزه ثبت ساجوبلاغ را با توجه به نامه جهاد ساجوبلاغ به شماره ۲۴۹۰۲/ ۰۴/ ۲۱/ مورخ ۱۴۰۴ که اعلام نموده صدور سند شش‌دانگ به صورت عرصه و اعیان بدون درج ساختمان با ذکر عبارت کاربری اراضی موضوع این سند کشاورزی (باغ) بوده و هر گونه تغییر کاربری و نقل و انتقال آن بدون مجوز جهاد ممنوع و تنظیم سند اعمال حقوقی موضوع ماده ۱ قانون و همچنین اعمال حقوقی بصورت مشاع در اراضی کشاورزی تنها با رعایت بندهای ۴ گانه ذیل تبصره ۹ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول ممکن میباشد را تأیید و صادر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبارت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. توسط شعبه پایگانی جهت مورد ثبت پلاک ۱۹۷۶ فرعی از ۳۲۰ اصلی منظور گردیده است. ۲۰۳۳۲۳۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۰ آبان ۱۴۰۴ بشیر نعیم‌زاده - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساجوبلاغ
--

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –ساجبلاغ (نوبت اول) برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۲۰۹۸۹۸ مورخ ۸ مهرماه ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساجوبلاغ تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی یوسف موفق فرزند صفر به شماره شناسنامه ۴۸۲۷ کد ملی ۰۴۹۲۰۳۴۶۹ مورخ ۹ ربیع‌هشت ۱۳۳۶ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین یا بنای احداثی به مساحت ۹۹۸٫۱۴ مترمربع از پلاک ۱۰۲۸۸ فرعی از ۱۳۷ اصلی از مالکیت سید علی عطری ذیل صفحه ۲۹۵ دفتر ۱۱۱۲ واقع در کردان حوزه ثبت ملک ساجوبلاغ استان البرز تأیید و رای هیئت صادر گردیده نوع کاربری ملک کشاورزی میباشد. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبارت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۴۴۲۷۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۰ آبان ۱۴۰۴ بشیر نعیم‌زاده - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساجوبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –ساجبلاغ (نوبت اول) برابرای رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۲۰۹۴۵۹ مورخ ۱۵ مهرماه ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساجوبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی همت یار به شناسنامه شماره ۱۸۵۳ کد ملی ۴۸۹۸۲۷۶۸۶۵ فرزند اکبر نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۲۱۴۹٫۳۱ مترمربع از مالکیت احمد انتظاریون باقیمانده پلاک ۳۲۰ اصلی واقع در ولیان حوزه ثبت ساجوبلاغ را با توجه به نامه شماره ۲۴۷۳۵/۰۴/ ۲۱/۲/ مورخ ۱۴/ ۰۷/ ۱۴۰۴ اداره جهاد کشاورزی ساجوبلاغ که اعلاا نموده صدور سند شش‌دانگ به صورت عرصه و اعیان بدون درج ساختمان با ذکر عبارت کاربری اراضی موضوع این سند کشاورزی (زراعی) بوده و هر گونه تغییر کاربری و نقل و انتقال آن بدون مجوز جهاد ممنوع و تنظیم سند اعمال حقوقی موضوع ماده ۱ قانون و همچنین اعمال حقوقی بصورت مشاع در اراضی کشاورزی تنها با رعایت بندهای ۴ گانه ذیل تبصره ۹ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول ممکن میباشد را تأیید و صادر گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبارت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. توسط شعبه پایگانی جهت مورد ثبت پلاک ۱۹۷۱ فرعی از ۳۲۰ اصلی منظور گردیده است. ۲۰۳۳۲۸۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۰ آبان ۱۴۰۴ بشیر نعیم زاده - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساجوبلاغ
--

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –ساجبلاغ (نوبت اول) برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۲۰۹۴۵۲ مورخ ۱۵ مهرماه ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساجوبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی آخوندان به شناسنامه شماره ۴ کد ملی ۰۴۵۱۹۲۸۰۳۲ فرزند جلال نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۱۱۴۹٫۵۰ متر مربع از مالکیت علی قبه مهاجر پلاک ۳۲۰ اصلی واقع در ولیان حوزه ثبت ساجوبلاغ را با توجه به نامه جهاد ساجوبلاغ به شماره ۲۴۸۳۰/۰۴/ ۲/ ۲/ مورخ ۱۴/ ۰۷/ ۱۴۰۴ که اعلام نموده صدور سند شش‌دانگ به صورت عرصه و اعیان بدون درج ساختمان با ذکر عبارت کاربری اراضی موضوع این سند کشاورزی (زراعی) بوده و هر گونه تغییر کاربری و نقل و انتقال آن بدون مجوز جهاد ممنوع و تنظیم سند اعمال حقوقی موضوع ماده ۱ قانون و همچنین اعمال حقوقی بصورت مشاع در اراضی کشاورزی تنها با رعایت بندهای ۴ گانه ذیل تبصره ۹ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول ممکن میباشد را تأیید و صادر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اختر سید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبارت به تقدیم دادخواست دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. توسط شعبه پایگانی جهت مورد ثبت پلاک ۱۹۷۴ فرعی از ۳۲۰ اصلی منظور گردیده است. ۲۰۳۳۲۵۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۰ آبان ۱۴۰۴ بشیر نعیم‌زاده - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساجوبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –کرج (نوبت دوم) برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۵۶۵۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ مورخ ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابراهیم صنم پور به شناسنامه شماره ۱۶۲۰۹۴۶۱۶ صادره از قره آغاج فرزند محمود در شش‌دانگ یک قطعه زمین یا بنای احداثی در آن به مساحت ۲۶۴/۱۴ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۱۰۰۵ فرعی از ۱۷۰ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای بهرامعلی اپینانلو راحتلو و با مالکیت مالک اولیه آقای محمد خرد دهقان تأیید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۱۸۱۴۲ تاریخ انتشار نوبت اول : ۲۰۴/۰۷/۱۹ مالکیت اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج
--

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –کرج (نوبت دوم) برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۵۶۹۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ مورخ ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین امین مراد بشناسنامه شماره ۳۶۰۱ صادره از اسدابآباد فرزند امین الله در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۱۵/۵۰ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۴۸۹ فرعی از ۱۴۴ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای نامدار خزانی و با مالکیت مالک اولیه آقای رجبعلی کمالی دهقان تأیید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۱۹۰۳۰ تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –کرج (نوبت دوم) برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۵۶۸۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ مورخ ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهره اسماعیل زاده‌گان بشناسنامه شماره ۶ صادره از قم فرزند حبیب اله در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۸۳/۲۶ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۴۰۴ فرعی از ۱۴۴ اصلی واقع در البرز و با خریداری از خانم فاطمه امیدوار که خود مالک اولیه می باشد تأیید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۱۷۹۱۲ تاریخ انتشار نوبت اول : ۲۰۴/۰۷/۱۹ مالکیت اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج
--



واردات ایران زیر سایه کالاهای اساسی

داده‌های گمرک نشان می‌دهد اگرچه در میان ۱۰ قلم نخست کالای وارداتی، طلای خام از نظر ارزش، در صدر فهرست واردات قرار گرفته، اما ۸ مورد از این اقلام به کالاهای اساسی اختصاص داشته‌اند.

۱۰ قلم نخست کالای وارداتی

کالای اساسی

کالای غیر اساسی



واردات در نیمه نخست ۱۴۰۴

۱۹ میلیون تن

۲۶ میلیارد دلار

(ارزش: میلیون دلار)